

قیام امام ایران

ز نظر شورای نویسندگان

از کلام عمومی به دست نیامده است

حسینی مشکان

درخت اعدام!

مجازات اعدام مبارزه می‌کشد و متأسفانه بیست‌سالی قبل از آن که قانون انقاص مجازات اعدام در فرانسه تصویب شود او در حادثه توموبیل کشته شد و اجل مهلتش نداد تا تحقق آرزوی خود را مشاهده کند. در حال، رساله کامو با ظریبی از دوران اقامت خانوادگی در الجزایر آغاز می‌شود.

"آلبر کامو" نویسنده شهیر فرانسه، رساله‌ای نوشته است با عنوان "تفکر درباره مجازات اعدام".

"کامو" از متفکرانی بود که برای انقاص مجازات اعدام تلاش کرد.

غرب و ترورسیم ایت اله

به دعوت نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان - مقارن با تشکیل کنفرانس سالانه حزب محافظه کار یک جلسه اختصاصی با شرکت عده‌ای از نمایندگان آن حزب و گروهی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران روز هشتم اکتبر در شهر "بورنموث" تشکیل گردید. ریاست جلسه را آقای تمیل موریس - نماینده حزب محافظه کار در مجلس عوام انگلستان به عهده داشت. تا مبرده ضمن بیانات جامع و جالبی گفت: "سالهاست که من به عنوان یک دوست ایران با مسائل ایران آشنا هستم و از فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی ایران آگاهم. فقدان آزادی و اعمال شکنجه و کشتارهای بی‌رویه در رژیم فعلی همچنان ادامه دارد و جمهوری اسلامی با همکاری لیبی و سوریه مرکز تروریسم بین‌المللی بشمار می‌رود. وی سپس به موضوع صدور اسلحه به ایران پرداخت و گفت: اکنون کاملاً مشخص گردیده است که خانه شماره ۴ در خیابان ویکتوریا مرکز مالت و صدور اسلحه‌های مختلف به ایران است که طبق اخبار منتشره قسمتی از آن از انگلستان و بقیه زکچورهای غربی دیگر صورت می‌گیرد."

می‌نویسد: "اندکی قبل از جنگ ۱۹۱۴ یک آدمکش که جنایت همیشه‌جا معر را برانداخته بود به اعدام محکوم شد. او یک کارگر مزرعه بود که خانوادگی را در کمال قساوت قتل عام کرده بود. مردم همگی عقیده داشتند اعدام کمترین مجازاتی است که می‌توان در حق این جانی سنگدل بکار بست. پدر من نیز همین طور فکری کرد و بخصوص، کشتار بچه‌ها او را چنان منقلب کرده بود که برای اولین بار تصمیم گرفت در مراسم اعدام شرکت کند. روز موعود، با مدادان خود را به محل اجرای مراسم رسانید. جنایتکار را در حضور جمعیتی انبوه گردن زدند.

بقیه در صفحه ۱۲

مهران طبری

جبهه‌های اعتماد

با زداشت نمی‌شوند و میزان مواد مخدری که کشف نمی‌گردد، بسیار آزار ساری است که پلیس منتشر کرده است. ناامنه هولناک اعتبار را از همین جا می‌توان دریافت. اما پلیس را به هیچ روی نمی‌توان سرزنش کرد. با زداشت تبهکاران و کشف مواد مخدر در واقع یک بیکار اداری علیه این بلیه بزرگ اجتماعی بشمار می‌آید. حال آنکه برای ممیت اجتماعی با پیدرا حل اجتماعی پیدا کرد. راه حل اداری فقط می‌تواند یک عامل کجکی باشد.

پلیس ایران اعلام کرده است که در شش ماه گذشته ۱۷۰۰۰ قاچاقچی با زداشت شده‌اند و تن مواد مخدر کشف گردیده است. این برای پلیس دستاورد مهمی است. با این همه تعداد افراد با زداشت شده و مقدار مواد مخدر کشف شده نمی‌تواند نگران کننده نباشد. زیرا همه قرائن حکایت از آن دارد که ۱۴ هزار کیلوگرم ماده مخدری که کشف گردیده است، فقط نوک کوه یخی است که در اقیانوس شناور است. به اطلاع خودمان، سرگنده زیر لقا فاست. شما قچا قچا نی که

بقیه در صفحه ۱۰

اطلاعیه هیئت اجرائیه نهضت مقاومت ملی ایران

بدینوسیله به اطلاع هموطنان ارجمند میرساند: هر مطلبی مربوط به نهضت مقاومت ملی در روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌های فارسی زبان خارج از کشور منتشر و یا بخش گردد که صریحاً از جانب آقای دکترنا پوربختر رهبر نهضت یا هیئت اجرائیه نهضت اظهار نشده باشد، ارتباطی با نهضت مقاومت ملی ایران ندارد.

ایران هرگز نخواهد مرد. هیئت اجرائیه نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهزاد

یک مسابقه اعلام نشده

فوق العاده استثنائی مانند هر ارثیه‌ای از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و خلاصه در عمل، انتخاب عالمانه‌ای در کار نیست... این کردارها و گفتارها و برداشته‌های متولیان روحانی و طبعاً با زتاب و اثر آن‌ها بر توده‌های مقلسد است که معیار رفتار و تقوا قرار می‌گیرد. برای مثال، جدا از شاخه‌ها ورشته‌های متنوع دیانت اسلام آنچه را که امروز خمینی با سمت "امام شیعیان" در زمینه‌های فقه‌ای و احکام قرآنی و حتی شیوه‌های رفتاری و "مذهب سیاسی" تبلیغ می‌کند، بنام کل "مکتب اسلام" رقم می‌خورند و آن چه را که پاپ پیشوای "کاتولیک‌های جهان" تعلیم می‌دهد، در کارنامه‌های مسیحیت منعکس می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

حوادث سیاسی و تشنج‌های بین‌المللی و مخصوصاً "اوج کشتار و خشونت خسواهانخواه"، پای دوشاخه زنیرومنده‌ترین ادیان جهان (مسیحیت و اسلام) را، به میدان مسابقه‌ای اعلام نشده گشاده است. گوا اینکه گروهی از مؤمنین مسیحیت و احباب فتوا و مجتهدین در دنیای اسلامی ادعا می‌کنند "ارزش‌ها" که امروزه هر گز به‌سدارا و اصل (لاکراهی‌الدین) وزیر عنوان ما به‌کارنامه‌های اسلام معرفی می‌شود، عاریتی و مجعول و بی‌ارتباط است و "قرآن" است ولی از آن‌جا که: کنگارش در فلسفه و تاریخ و حتی اصول مذهب، غالباً از حوزه‌های توجه‌نوده‌های مردم بیرون است و بدین ترتیب هر مذهب مفروض (البته پس از گذشت دوره‌های ظهور و باگیری) به‌جززموارد

قطعه‌نامه هفتم

است که خمینی می‌خواهد جنگ را، به‌هر قیمتی که شده، ببرد، و تلاش بی‌حاصل دوم این است که مراجع کونساگون بین‌المللی می‌خواهند میانجی‌گری کنند بلکه این جنگ از راه مذاکره پایان پذیرد. در واقع بی‌حاصل بودن تلاش دوم، یعنی میانجی‌گری، نتیجه همان تلاش بی‌حاصل اول، یعنی سماجت خمینی در ادامه جنگ، به‌هر قیمت است. شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از چهار روز مذاکره رای‌های برای داد که جنگ خلیج فارس یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های نیمه‌دوم قرن بیستم، باید هر چه زودتر پایان گیرد، و طرف بیه پشت‌مرزهای بین‌المللی بازگردند و مذاکرات برای دستیابی به صلح آغاز شود. نماینده جمهوری اسلامی "املا" در مذاکرات چهار روزه شورای امنیت حضور نیافت. به عبارت دیگر نتیجه مذاکرات را، پیش از آن که اعلام شود رد کرد.

در منطقه خلیج فارس، شش‌سالی است که دولت‌های بی‌حاصل در کنار یکدیگر ادامه دارد: تلاش بی‌حاصل نخست این

اجلاس شورای

نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران ساعت ده روز ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵ برابر با ۱۱ اکتبر ۱۹۸۶، در حضور دکتر شاپور بختیار، رهبر نهضت، تشکیل شد. در آغاز جلسه گزارشی از فعالیت‌های بین‌المللی نهضت به اطلاع اعضاء شورا رسید و سپس مسائل سیاسی روز و مسئله ادامه جنگ مورد بررسی قرار گرفت. آنگاه مسئولان واحدهای اجرایی، گزارش فعالیت‌های خود را به شورا دادند و از طرف رهبر نهضت برگزیده‌ترین فعالیت‌های نهضت، بخصوص در داخل کشور، تائید شد. جلسه تا ساعت بیست و یک دقیقه ادامه یافت.

انهدام تاسیسات نفتی کرکوک؟

به گزارش خبرنگاری‌ها، بغداد دشنه شب (۱۱ اکتبر) انهدام تاسیسات نفتی کرکوک را به دست نیروهای جمهوری اسلامی تکذیب کرد. لطیف نمینفادال‌جاسم، وزیر اطلاعات عراق در گفت‌وگویی با خبرنگاری رسمی عراقی اظهار داشت که تاسیسات نفتی ما در کرکوک اندک آسیبی ندیده‌اند و نیروهای جمهوری اسلامی هرگز صد و پنجاه کیلومتر در خاک عراق نفوذ نکرده‌اند و بنا بر این، نتوانستند تاسیسات نفتی کرکوک را تخریب کنند.

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۳

دی ولت:

بختیار رهبر و امید بخش

در صفحه ۵
داستانی از شاهنامه

یازده رخ یا دوازده رخ؟

در صفحه ۶

قطعه‌نامه هفتم

بقیه از صفحه ۱

این برای نخستین بار نیست که شورای امنیت سازمان ملل متحد راهی به پایان جنگ می‌دهد، همچنان که برای نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی به راهی این مرجع جهانی که خود عضو آن است گردن نمی‌نهد.

جمهوری اسلامی هنوز تکلیف خود را بسازمان ملل متحد روشن نکرده است؛ از یک سو آن را مرجعی می‌نامد که آلت بی‌اراده دست‌اندرت‌هاست، از سوی دیگر خود در آن یک نماینده دائمی دارد و حتی یک بازو از زبان آنستای فخرالدین حاجی نماینده مجلس شورای اسلامی از کشورهای عضو است که متراپین سازمان را از نیویورک به جماران منتقل کنند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی و سازمان ملل متحد هیچ کدام یکدیگر را به اندازه کافی جدی نمی‌گیرند. ولی جمهوری اسلامی به توصیه‌های آن سازمان‌هایی که آن‌ها را جدی‌تر می‌گیرد مانند کنفرانس غیرمتعهدها یا کنفرانس اسلامی نیز اعتنای چندانی نکرده است.

آیت‌الله خمینی فقط آن تصمیم‌هایی را قبول دارد که با خواست‌های خودش مطابقت داشته باشد. او سر آن ندارد که به تصمیم‌های یک مرجع بین‌المللی گردن گذارد، می‌خواهد مراجع بین‌المللی تصمیم‌های او را بپذیرند.

سازمان ملل متحد، نه کنفرانس اسلامی، نه سازمان کشورهای غیرمتعهد، نه یک کمیسیون ویژه مرکب از نمایندگان چند کشور بیطرف، نه بی‌کدام مرجع بین‌المللی بایده‌درا ره جنگ و ادعاهای دوطرف حکمیت‌کنند؟ مسئله یک میلیون کشته و معلول، دو بیست تا سیصد میلیون دلار خسارت در میان است - این جز در یک حکمیت بین‌المللی قابل رسیدگی نیست. و سازمان ملل متحد را این رهگذر بهترین است. ولی در حالی که صلح، دوطرف می‌خواهد، برای جنگ فقط یک طرف کافی است، و درست به همین دلیل است که جنگ وارد هفتمین سال خود شده است و نشان‌های به چشم نمی‌خورد که هیچ قدرت خارجی، بیش از آن که تاکنون مایه گذاشته است، برای پایان دادن به جنگ مایه بگذارد.

سیاستمداران ایالات متحده در دره‌های گوناگون گفته‌اند و تکرار کرده‌اند که در صورت گسترش یا فتن جنگ به کشورهای دیگر، آن را "تهدیدی بزرگ" علیه منافع آمریکا تلقی خواهند کرد. این آیا بطور ضمنی بدان معنی است که جنگ اگر گسترش نیابد، منافع آمریکا در خطر نخواهد بود؟ به هر حال چنین اظهار نظرهایی دارای دود هدف عمده است: کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دلسرد نشوند؛ اینکه آمریکا در پایان دادن به

سرشماری مصائب و فقر

با سرنوشت اسیران در اردوگاه‌های آلمان نازی می‌اندازد. تغییر دیگر، کنار گذاشته شدن زنان از حیطه فعالیت‌شغلی است. بیش از چهل درصد از نیروی فعال کشور بیکار است، و بخش بزرگ این رقم را زنان تشکیل می‌دهند.

میرحسین موسوی در پیام خود بمناسبت برگذاری نخستین سرشماری جمهوری اسلامی از جمله می‌گوید که این سرشماری برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش، رفع تبعیضات ناروا، بوجسود آوردن امکانات عادلانه، ایجاد نظام اداری صحیح، پی‌ریزی اقتصادی عادلانه برچیدن محرومیت و غیره انجام می‌پذیرد. به آقای میرحسین موسوی فقط گوشزد می‌کنیم که این امکانات، پیش از سرشماری در ایران امروز وجود نداشت و پس از سرشماری نیز وجود نخواهد داشت. ناگامی دولت در ایجاد اشتغال، در توزیع درست و عادلانه ثروت، در افزایش تولید، در ایجاد یک نظام اداری درست بدین دلیل نیست که سرشماری تساهل‌آمیز اگر بهترین و کارسازترین اطلاعات آماری را هم در اختیار این دولت نالایق گزافه‌گو قرار دهند، نتیجه هیچ روی بهتراز آنچه تاکنون دیده‌ایم، نخواهد بود. بهترین وسایل جراحی دردست‌های ناشی یک نااهل، نه تنها باعث شفای بیمار نخواهد شد، بلکه حال او را بدتر نیز خواهد کرد.

با سرشماری یا بدون سرشماری - رژیم در حال در آرزوی کشور فرومانده است. وانگهی در حالت کنونی به نتایج این سرشماری اصلاً نمی‌توان اعتماد کرد. زیرا همان‌طور که خود میرحسین موسوی در یافته است در هر سرشماری نقش اصلی را اعتماد مردم ایفا می‌کند. و این مردم هستند که با پدید آمدن اطلاعات موردنیاز ما موران را به آن‌ها بدهند.

این‌ها موران شخصاً هر که می‌خواهند باشند، ولی چون از طرف رژیم به جمع‌آوری اطلاعات گمارده شده‌اند، از اعتماد مردم برخوردار نیستند. سرشماری اگر چه در هر برنا مریزی اقتصادی و اجتماعی عامل بسیار مهمی است، ولی می‌تواند مورد استفاده دستگاه‌های جاسوسی رژیم نیز قرار گیرد. سرشماری جمهوری اسلامی، پیشاپیش محکوم به بطلان است.



بزرگداشت

روز جمعه ۱۷ اکتبر نهضت مقاومت ملی ایران شامه‌وین، برای بزرگداشت آئین مهرگان، مراسمی تدارک‌دیده است. از همه علاقمندان مقیم اتریش دعوت می‌شود که در این گردهمایی شرکت کنند. محل اجرای مراسم:

Gaus Der Begegnung
Gatterburgg. 2a
wien 19

کمتر از صنعت، بخش خدمات به آن‌ها نیاز دارد، زیرا معمولاً زحداقل سواد که لازمه فعالیت در بخش خدمات است، برخوردار نیستند. پس از زوری ناچار می‌باشند روی می‌آورند که در اصطلاح اقتصادی آن را "بیکاری پنهان" می‌خوانند. و بدتر از این به دام تبهکاری می‌افتند که مثل خوره به جان جامعه افتاده است.

تغییر مهم دیگر افزایش هولناک بیکاری است. بیکاری که در رژیم گذشته ۷ درصد جمعیت فعال کشور را در بر می‌گرفت، امروزه ۴۰ درصد رسیده است. بر حسب آماری که خود رژیم منتشر کرده است، هم‌اکنون در ایران ۴ میلیون بیکار وجود دارد. و از همه‌ها نشانه‌ها چنین برمی‌آید که این رقم ماه به ماه افزایش خواهد یافت. زیرا کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در اثر نبودن ارز با مواد خام اولیه مدام بسته می‌شوند و فعالیت ساختمانی دچار رکود گردیده است.

تغییر دیگر کاهش در مدجوانان در جمعیت است، صدها هزار جوان در جنگ کشته شده‌اند. به همین مقدار معلول و از کار افتاده وجود دارد. پیاپی دیگر جنگ، شمار میلیونی آوارگانی است که از زادبوم خود ریشه‌کن شده‌اند و بدشواری می‌توانند در محیطی نامناسب نوس ریشه‌بندوانند. شرایط زندگی آن‌ان، چه از حیث روحی و چه از حیث جسمی، در اردوگاه‌ها چنان است که انسان را بی‌اختیار به

اگر جمهوری اسلامی تاکنون می‌گفت خود را برای یک جنگ بیست ساله آماده کرده است ولی اکنون همه نیروهای خسود را متمرکز کرده است که سرنوشت جنگ را همین امسال معین کند، بدان سبب است که می‌داند دیگر نمی‌تواند جنگ را ادامه دهد.

جمهوری اسلامی در موضع ضعف است. اگر امکان صلحی با آن وجود داشته باشد، باید از همین موضع ضعف استفاده شود. به عبارت دیگر صلح باید برپا و تحمیل گردد، سهمی که خود ملت ایران باید در این کار بپذیرد، سنگین تر است. نباید چشم براه آن بود که دیگران بیاینند و مسائل ما را حل کنند.

هفت کشور عرب درخواست برگذاری اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد را کردند. این شورا ۴ روز در باره جنگ بحث کرد. پانزده عضو آن به اتفاق رأی دادند که جنگ باید هر چه زودتر پایان گیرد. نماینده جمهوری اسلامی از این جلسات غایب بود. این یعنی که خمینی صدای صلح را در خارج چندان جدی نمی‌گیرد. ولی اگر این صدا از داخل برخیزد و بلندتر شود، رژیم نمی‌تواند بدان بی‌اعتنا بماند.

رژیم تهران نخستین سرشماری خود را آغاز کرده است. آخرین سرشماری که در ایران صورت گرفت، به سال ۱۳۵۵ بازمی‌گردد. از آن روز تا کنون نه تنها رژیم عوض شده، بلکه همه داده‌های کشور تغییر کرده است. یک تغییر مهم، جایجا شدن بی‌سابقه جمعیت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، و از شهرهای بزرگ به پایتخت است. در حالی که نفس شهرها، به ویژه تهران، زیر فشار جمعیت به‌شماره افتاده است، روستاها از جمعیت فعال خالی گردیده‌اند.

چنین وضعی در دوره گذشته نیز بوجسود آمد و حرکت از روستاها به سوی شهرها سرگرفت و جمعیت شهرها مخصوصاً تهران به نحویرشتاب روبه‌فزاینی گذاشت ولی در این دوره بحران به مرحله انفجار رسیده است.

پیماندا این جایجایی جمعیت، برای شهر و روستا هر دو وحشتناک است. آنسان که روستاها را ترک می‌کنند، از گروههای سنی بالاتر یا پائین تر نیستند، جوانانی هستند که کشاورزی و رزوی زمین خورده‌اند. کشور ظرفیت جذب آن‌ها را ندارد. به‌ناچار به شهرها می‌آیند و با میدانکه کاری پیدا کنند، یعنی جذب صنعت یا خدمات شوند. اما صنایع نیز خوابیده است، و اگر هم چنین نبود، جوانان از روستا گریخته جز در پائین ترین رده فعالیت ساختمانی، جائسی برای فعالیت ندارند. زیرا در ردیف کارگران ماهریانیمه‌ها هر نیز قرار ندارند.

جنگ نقشی فعال تر از این ایفا نمی‌کند. و دیگر اینکه جمهوری اسلامی خد خود را تشخیص دهد و در ارتباط با گسترش جنگ، از تهدیدها آترنورد.

با این همه اعراب حق دارند ننگران باشند. زیرا آتش جنگ در همسایگی آن‌ها روشن است و حرارت تهدیدکننده آن را از دلگرمی‌های دیگر باور پذیرتر می‌دانند. آنان حق دارند به این امر نیز پییده بدبینی بنگرند که جمهوری اسلامی هدف‌های جنگی خود را تعدیل کرده است و فقط به کودتایی در عراق خرسندی می‌نماید. می‌دانند که این یک مانور تاکتیکی بیش نیست.

با این همه باید دید و سنجید چرا جمهوری اسلامی به این مانور یا تغییر تاکتیک دست زده است. انتخاب تاکتیک تازه هرگز از روی هوا و هوس نیست. بلکه با موقعیت رژیم ارتباطی نزدیک دارد. اگر جمهوری اسلامی تاکنون چیزی کمتر از یک حکومت ولایت فقیه در عراق نمی‌خواست، به این دلیل بود که هنوز نمی‌دانست تا توان تر از آن است که بتواند به این هدف دست یابد، و حالاً که تغییر تاکتیک داده و فقط برکنساری مداوم حسین را می‌خواهد، از آن روست که به‌نا توانی خودپی برده است.

م. گیلان شیرخشک

و کمپانیهای اسلحه سازی!

آقای دکتر محمد رضا حساس رئیس انستیتوی علوم تغذیه و صنایع ایران طی مصاحبه ای که در روزنامه کیهان تهران بگوشه...

در نوشتاری دیگر، با زهم رژیم بیخاطر آنکه نا توانی خود را به مناسبت مشکلات مالی و ارزی در جهت کسروا ردا ت شیر خشک...

جالب اینجاست که مسئولین رژیم برای ما درانی که در تنگدستی و گرفتاری روزمره خود سیرند و حال و احوال خواندن روزنامه های فارسی را هم...

اما بعدها که با بلند شدن سروصدای ما دران که از حقهای دولت با خبرند و به درستی ما بین پنهان آتشی دارند...

عاجز دید و حتی در تهران و دیگر شهرها شایع شد که ما دری پس از مراجع به بسیاری از داروخانه ها و نیا فتن شیر خشک از روی استیصال و نا کاهی فرزند خردسال را در مقابل یکی از داروخانه ها...

درباره مسمومیت و ضررهای حاصل شده از مصرف شیرخشک ایجا شده بود پیرها نند، ضمن مصاحبه ای عنوان می کند: "استاندارد کلیه شیرخشک های موجود در بازار ایران بر اساس استانداردها...

مأموران پرخرج

در سال ۱۹۸۵، اسقف هیلاریون کا پوچی معروف، برای جمهوری اسلامی و به خرج رفته بود. هنگامی که صورت حساب اقامت او را در یکی از میهمانخانه های گرانقیمت زوریخ به وزارت خارجه...

اما دیگر مدت ها است که حسابداران وزارتخانه های جمهوری اسلامی از دیدن صورت حساب های سنگین حیضرت زده نمی شوند. ماه موران این رژیم که به خارج از کشوری روند، درگران ترین هتل ها اقامت می کنند و در خرج کردن از...

نویسنده: نامه پس چنین ادا می دهد: "به منظور ادا مء مذاکرات، هیات متابعی از طرف شرکت ملی فولاد ایران که خود اینجانب نیز عضو کوچکی از آن...

سیستان و بلوچستان میمنتاید ضمن مصاحبه ای با روزنامه کیهان ن پورده از این شگردهای حق بجانب برداشته و آخرین حرف را که همگان بر آن وقوف داشته ولی رژیم خود را به تهاهل زدد...

مصرف شیر را برای بیماران کودکان تجویز کرده با شویا بیسرزنان با پیدا مراجه به کمیته محل مجوزی برای دریافت شیرتحصیل نمایند. جالب است که در این آشفته با زار مرتبا "از سوی مسئولین رژیم توصیه می شود که...

قاجاق تجهیزات نظامی

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک ایرانی ۲۷ ساله بنا م حسن کنگرلو، به جرم قاچاق تجهیزات نظامی ساخت آمریکا به جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۶ اکتبر در دادگاه لوس آنجلس به ۳۰ ماه زندان محکوم شد.

وی از سال ۱۹۸۵ مقیم آمریکا بود. جفری مودیست، دادستان فدرال آمریکا اعلام کرد که حسن کنگرلو دو محموله وسایل مخابراتی نظامی به ارزش صد هزار دلار به ایران فرستاده است. آخرین محموله در ژوئیه سال گذشته به جمهوری اسلامی ارسال شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه سازمان امنیت داخلی آمریکا اف بی آی و گمرکات آن کشور تا بحال ۳۲ ماجرای قاچاق اسلحه و تجهیزات نظامی را به جمهوری اسلامی کشف کرده اند که با ۱۲۵ شخص حقیقی و با حقوقی به میان کشیده شده است.

خبرگزاری فرانسه یادآوری می کند که ایالات متحده آمریکا صدور اسلحه به جمهوری اسلامی را تحریم کرده است و این سازمان نیز خواسته به منظور پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق رویه ای مشابه در پیش گیرند.

خبرگزاری فرانسه - ۸ اکتبر ۸۶

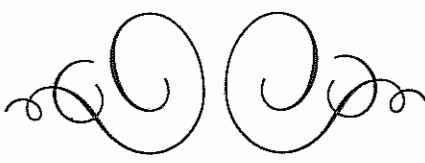
شورش بنزین

بدنبال اعلام جیره بندی بنزین، دویمب بنزین توسط مردم به آتش کشیده شد. به گزارش عناصر صرملی، جیره بندی بنزین در تهران و شهرستان ها صف های طولانی در مقابل جایگاه های توزیع بنزین پدید آورده است.

از سوی دیگر این موضوع تهرانی ها را وادار به استفاده از سوخت نقلیه عمومی کرده است. اما تا کنی ها و اتوبوس ها برای جایگاه های مردم ظرفیت کافی ندا رند و در نتیجه نقاط عمده شهر تهران هر روز از انبوه جمعیت محو می زند. همین موضوع درگیری های پراکنده میان مردم به جان آمده و معترض و ما موران رژیم را بدنبال آورده است. عناصر صرملی می افزایند: روز جمعه ۳ اکتبر (پانزدهم مهرماه) یک جایگاه توزیع بنزین در اشتهای خیابان چهارم مردان قم و جایگاه دیگر در خیابان تهران از سوی مردمی که شعار مرگ بر ولایت فقیه می دادند، به آتش کشیده شد. در همین روز خیابان فرح آباد زاهد در تهران صحنه درگیری با ساداران با مردم بود. در این نقطه، مردمی که ساعت ها در انتظار دریافت بنزین مقابل جایگاه توزیع ازدحام کرده بودند، با پاداران که در محل حاضر بودند درگیر شدند و فریادهای مرگ بر جنگ و مرگ بر ولایت فقیه سردا دند. این درگیری سرانجام با دخالت ما موران دولتی و پس از آن که یکصد و پنجاه تن از سوی پاسداران بازداشت شدند، خاتمه یافت.

سنگسار

روزنامه مدیلی تلگراف چاپ لندن، به نقل از ساکنان شهر قم گزارش می دهد که جمعه گذشته ۳ اکتبر یک زن ایرانی به برای دادگاه شرع در بستر رودخانه خشک قم به فجیع ترین وضعی سنگسار شد. این زن دو سال پیش به اتهام داشتن روابط نامشروع و همدستی در قتل شوهرش دستگیر و زندانی شده بود.



The Economist Intelligence United, Iran Annual Supplement 1982

دی ولت:

بختیار رهبر و امید بخش

پاریس - یورگن کی مسکی

دعا کردن در میان انقلابیان ایران بیشتر محبوبیت را دارد: "خدا یا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار". زیرا ما دادا که خمینی زنده است، انقلابیان با لنسبه کمتر نگرانند، اما ایرانیان مهاجر به سخره می گویند که ملاحظا در برخی مسجدها گامی فراتر نهاده می گویند: "مهدی بیا، مهدی بیا".

شایسته بختیار، رهبر و امید بخش اپوزیسیون ایران، اعتنا می به این گزارش ها ندارد. برای او آیت الله شوی بردا نیست. وی را "مسیو خمینی" می نامد. اما بر آورد او ز رژیم روشن است. در اقامتگاه محافظت شده اش در "سورن" حومه پاریس به ما می گوید:

"این رژیم بر ترور منگی است. اهل گفتگو نیست. آقای خمینی می بنماید که حق دار عقیده اش را به جهان تحمیل کند. انتگریم سعی، جان که او سخنگوی آن است، به وسیله نا بردباری مطلق منقض می گردد. حال آنکه بردباری نخستین تقوای انسان متمدن است."

بختیار با بخشی از روحانیت ایران تماس دارد. می گوید:

"همه آن ها مانند آقای خمینی نمی اندیشند. بسیاری شان چشم براه پایان رژیم هستند که آن را با تالیم بیا میرا زگار نمی دانند."

بختیار خود را لایق است. ولی دیسین را محترم می شمارد. دین (برای او) به قلمرو خصوصی انسان تعلق دارد:

"از این روین خواهان جدائی دین و دولت هستم."

بختیار می گوید بخش اعظم ملاحظا دریا فته اند که رژیم به پاریس راه نزدیک می شود. زمان تغییر جهت فرا رسیده است. نیز می بینند که:

صدور ترور هم سرانجام برای کشور فایده ای ندارد.

و غرب نیز نماند بیدار به ما هیت و عمل رژیم دچار توهم شود، اگرچه ترور پیش از انقلاب نیز در ایران وجود داشت، ولی به عقیده این سیاستمدار که در این اشنا در پاریس، لندن و واشنگتن به عنوان آلترنا تیو شنا خته شده است، ترور هرگز چنین مطلق و دارای انگیزه دینی و جنین گسترده نبود.

بختیار می گوید:

"امروز تهران مرکز ترور و بیم بین المللی است."

این سو سیال دمکرات معتقد، که عمری را در ایران با دیکتاتوری ها مبارزه کرد و در این راه به زندان نیز افتاد، بر اساس اطلاعاتی که روزنامه به قرا رگاش می رسد، به پیروزی نیروهای مسلح ایران در جنگ اعتقاد ندارد.

می گوید انگیزه برای جنگ انسداد است، تجهیزات نیروهای که به زور به خدمت کشانده می شوند، تا بخواهی بد است. وسیله نیست، و کشور را با افتاد دیگر خونی در بدن ندارد، برای یک جنگ تدافعی هنوز می شد بسیاری از ایرانیان را بسیج کرد، لیکن برای جنگی تهاجمی که جریان دارد دیگر هیچ کس را.

رهبر ۷۱ ساله ایل مغرور بختیاری، مستقر در کوههای زاگرس، برای همکاری



را در باره فساد در معامله شرکت "تیسن" با شرکت ملی نفت ایران برای ساختن پالایشگاه نفت اصفهان، با عبارات فوق آغامی کند.

چاپخانه های که فرم های تقلبی چاپ می کرد، و افرادی که ماضی دیگران را جعل می کردند، مدیرانی که صورتحسابهای تقلبی را می پرداختند، اجزاء این شبکه کلاهبرداری بزرگ را تشکیل می دادند.

در اقامت آلمان فدرال موارد کلاهبرداری و تنبهاری اندک نیست، ولی تاکنون سابقه نداشته است که مدیران یک گروه صنعتی که دارای شهرت جهانی است، یک کارگاه جعل اسناد بسیار زیاد و صندوق مالی یک کشور دیگر را چپا ول کنند.

دولت ایران، به اعتبار شرکت "تیسن" و اعضاء مدیران آن، بی هیچ گفتگویی این صورت حساب ها را می پرداخت. در طرحی که هزینه آن ۱/۸ میلیارد دلار بود، بر آورد شده بود، مبلغ ده میلیون دلار که مسئله مهمی نبود، خاصه آن که طرف معامله شرکت بسیار معتبری بود و سال، سال بهم ریختگی انقلابی بود: سال ۱۹۷۸.

ایران، برای آنکه صورت حساب های "تیسن" را بپردازد، نزد "دو بیچسه بانک" در دوسلدورف یک اعتبار

اسنادی باز کرده بود، و بانک، هنگامی که ارقام مندرج در صورت حساب با مشخصات فنی کا لامپا بقت می کرد، طبق معمول مبلغ را به فروشنده می پرداخت.

در این اشنا اگر چه شرکت "تیسن" در فهرست سیاه ایران قرار گرفته، و لسی مدیران آن در آلمان هیچ نگرانی حقوقی ندارند، زیرا جرم آن ها مشمول مرور زمان شده است: قضیه مربوط به سال ۱۹۷۸ است، و کلاهبرداری و تقلب در معامله پس از گذشت پنج سال در آلمان مشمول مرور زمان می شود.

اگر چه در همان روزها کسانی به تفضیه ظنین شده بودند، ولی در آغا زسالیهای ۸۰ میلادی بود که شرکت ملی نفت ایران و ابوالفتح محوی، باز رگانایرانی مقیم ژنو، اسناد مربوط به تقلب شرکت "تیسن" را در آوردند.

سوی صورت حساب های ساختگی، راه دیگری نیز برای این تقلب بزرگ اندیشیده شده بود: شرکت های دیگری که می با یست بخش های مختلف پالایشگاه را بسازند و تحویل دهند، مستقیما "طرف معامله" ایران نبودند، بلکه با شرکت "تیسن" به عنوان پیمانکار اصلی قرار داد می بستند. ولی میلیتی که تیسن به آن ها می پرداخت، با میلیتی که با یست کار آن ها از دولت ایران می گرفتند، تفاوت های بزرگی داشت.

مجله "اشپیگل" می افزاید که "تیسن" در شرکت ملی نفت ایران کسی را داشت که صورت حسابهای مشکوک را از پیرونده درمی آورد و به کناری می گذاشت. نام این شخص در پیرونده های تیسن با حرف "س" مشخص شده بود و او سیاهوش هنری، کسی است که تا سال ۱۹۷۹ در ادا رة قرار دادهای شرکت نفت عضویت داشت و توانست به موقع از کشور خارج گردد و در ایالات متحده اقامت گزیند.

وی هنوز نیز برای "تیسن" کار می کند. گاه

به عنوان مشاور و روکار به عنوان مدیر فرانس در ایالات متحده. مجید دیبا که عضو هیات مدیره شرکت نفت بود، می گوید: "در شرکت نفت معروف بود که تیسن همواره در دادن هدایا و رشوه بسیار سخاوتمند است، و یک نماینده تیسن یک بار به خود او پیشنهاد یک میلیون دلار کرد که در هر جای جهان قابل پرداخت باشد."

اشپیگل - ۶ اکتبر ۱۹۸۶

پناهندگی

چهار ورزشکار ایرانی

خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع رسمی کره جنوبی گزارش می دهد که روز ۸ اکتبر سفارت عراق در سئول با تقاضای پناهندگی چهار ورزشکار ایرانی از عراق موافقت کرد.

به گفته شاهدان عینی، نیروهای پلیس برگرد ساختمان سفارت عراق در سئول مستقر شده اند و از سوی دیگر از روز ۷ اکتبر تا کنون یک ماء مورد دولت جمهوری اسلامی برای باز پس گرفتن چهار ورزشکار ایرانی به سئول آمده است.

بنابریک اعلامیه رسمی از سوی دولت کره جنوبی، هنگامی که گروه ۵۳ نفری ورزشکاران ایرانی که برای شرکت در بازی های آسیایی به سئول رفته بودند قصد عزیمت به تهران را داشتند متوجه غیبت این چهار تن شدند.

در این اعلامیه توضیح داده شده که این چهار تن به نام های محمد منتظری، اردشیر بهمنیار، سیامک بژند و مهدی رضوانی در سفارت عراق بصری برند.

در اعلامیه قید نشده است که آیا دولت کره جنوبی به ورزشکاران پناهنده اجازه خواهد داد که به عراق بیرون دیا نه.

روز ۶ اکتبر منابع موثق اطلاع داده بودند که مقامات کره جنوبی از عزیمت چهار ورزشکار ایرانی به عراق جلوگیری کرده اند.

خبرگزاری فرانسه - ۹ اکتبر ۸۶

وزیر دفاع امریکا در چین

نشریه میدل ایست اکونومیک دا یجست به نقل از منابع آگاه در واشنگتن گزارش داده است که کاسپارو این برگر، وزیر دفاع امریکا در سفر آینده خود به پکن در مورد جنگ ایران و عراق و مسئله فروش سلاح های چینی به جمهوری اسلامی، با مقامات پکن مذاکره خواهد کرد.

این نشریه به نقل از همین منابع می افزاید: دولت آمریکا حتما رده که به رغم تکذیب های مکرر دولت چین، این کشور به جمهوری اسلامی مقادیر معتنا بهی سلاح و هوا پیمای های نظامی ما درمی کند و حال آنکه این اقدام منافی موضوع بی طرفانه اعلام شده پکن در قبال جنگ ایران و عراق است.

میدل ایست اکونومیک دا یجست - ۷ اکتبر

با فرزند شاه فقید، که آواخرین نخست وزیر پدرش بود، آماده است، البته بر اساس سلطنتی مشروطه، به تقریب چنان که در اسپانیا یا انگلیس وجود دارد. به عقیده ناظران بی طرف، بختیار و نهضت مقاومت ملی اومی توانستند در فاصله چند روز صدها هزار نفر را در شهرهای بزرگ ایران بسیج کنند. و این پیام در یک تظاهرات آرا مبراستی به اثبات رسید. در آن زمان بیش از یک میلیون نفر در زمان تعیین شده در تهران به "گردش" رفتند. اکنون موقعیت از پیش مساعدتر است. به عقیده بختیار در قانون اساسی ایران جدید برای همه اجزای که در موکراتیک باشند حقوق بشر را محترم بشمارند. جایی وجود دارد. نه حزب توده، طرفدار شوری پیشا پیش متنوع می شود و دسته گروه های دیگر. وی برای مجاهدین خلق که از حیث انتشاراتی در غرب بسیار فعالند بختی قائل نیست. می گوید: "اینان با رژیم توتالیتر انقلابی ها همکار کرده اند، آقای رجوی به خود می بالد که با دست خود مخالفان رژیم را کشته است. چنین آدم های قابل اعتماد نیستند. طرفدار از سوی رژیم مخالفان رژیم، از حیث مالی وابسته به عراق - آنان چگونه می توانند حمایت مردم را بدست آورند؟ ما ندانم که رژیم کنونی از حیث زمانی به سه عامل بستگی دارد: "سراشید تنها اقتصاد، جنگ با عراق، انزوای بین المللی." شکست حمله ای که در پیش است، این تحول را شتاب خواهد بخشید. تعطیل کارخانه های هر چه بیشتر به علت نبود مواد اولیه و مواد خام در ماه های آینده شما ر بیکاران را افزون می خواهد بخشید و حداقل یک میلیون بر آن اضافه خواهد کرد. "یک حالت تهاجمی فذخمینی بوجود خواهد آورد." و سوی نومنکلاتورای انقلابی ها (کارمندان عالی رتبه، ملاها و پاسداران انقلاب) رژیم مرور فقط می توانستند بر کردگان و نوجوانان افسون شده و همچنین بخشی از با زارتکیه کند.

دی ولت - ۷ اکتبر ۱۹۸۶

حساب سازی

تنظیم صورت حساب برای کالاهای که تحویل داده نشد، افزایش قیمت های که مشتری از آن خبری نداشت - این ها روش های بود که مدیران یک شرکت وابسته به گروه بزرگ صنعتی آلمانی "تیسن" برای کلاه گذاشتن سراپران بکار بردند و توانستند ۱۴۰ میلیون مارک زیادی از ایران پول بگیرند.

مجله آلمانی "اشپیگل" گزارش خود

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

داستانی از شاهنامه

یازده رخ یا دوازده رخ؟

پیروزی بین

جنگ هومان و بیژن، بر سر قرار است که با هم گذاشته بودند، تن به تن بوده است. حتی قرار بر آن بود که هر یک از حریفان که پیروز شود به ترجمان حریف خود آزار نرساند. از این روی سپاهیان از دو طرف جایگاه خود را ترک نمی‌گویند. اما گذار بیژن از پیش روی سپاه توران بود. از این روی زره سپاهیان را از تن بیرون می‌کند و زره هومان را می‌بوشد، علم او را برمی‌دارد و بر اسب او سوار می‌شود تا به سلامت از او بر تورا نیسان بگذرد. تورا نیسان نیز چون از دور او را می‌بیند گمان می‌برد که هومان پیروز شده است. بیژن چون از برابر سپاه توران گذشت علم هومان را نکونسلار می‌کند. آن گاه ایران تیان از پیروزی بیژن و تورا نیسان از شکست و کشته شدن هومان با خبر می‌شوند. اما بیژن دیگر از مرکز بیرون جسته بود و تورا نیسان دستی بدو نداشتند.

پس از این ماجرا پیران برادر دیگر خود نستیه را می‌خواهد و بدوما موریت می‌دهد که به سپاه ایران شبیخون بزند و انتقام خون برادر را بخواد. اما ایران تیان بیدار روهشیا ربودند و همه جا دیده بانان بر او گذاشتند؛ چونستیه آن لنگر کینه‌خیز

بیاورد نزدیک ایران سپاه سپیده دمان او به جای رسید که از دیدگاه دیده بانان بدید یکی بانگ زد سوی کار آگاهان که آمد سپاهی ز توران دمان از همین جا پایان کار نستیه و سپاه وی معلوم است، چه شبیخون وقتی ممکن است توفیق یابد که سپاه خصم از آن بی‌خبر باشد. اما ایران تیان بیدار و آماده بودند. در این گیرودار نستیه کشته و سپاه وی تا رومسلار می‌شود.

پس از ماجراهای بسیار، نام نه نشستن هریک از دو سردار به پادشاه خویش و خواستن کمک، چون فرماندهان خود از خون ریزی بی‌بهره متنفر بودند (گودرز هفتاد دیر در جنگ در جنگ از دست داده بود) یکدیگر را ملاقات می‌کنند و بیجان می‌بندند که به جای افکندن سرها از بدن بیجان یکدیگر، یازده سردار از سپاه ایران، با یازده سردار قرینه خویش از توران تیان جنگ کنند و بیروزی از آن سرداران با بد که خصم خود را کشته اند. این قرار مورد توافق قرار می‌گیرد. سرداران هم نبرد را تعیین و هر کس را تا مزد جنگ با حریف خویش می‌کشند بیژن ترتیب که فریبز از ایران با کلباد، گیو با گروزه، گرازه با سیاک، فروهل با رنگه، زهام با بارما، بیژن با روئین، جیر با سپهر، گرگین با اندریمان، پرتی با کهورم، زنگه شاوران با خواست و سرانجام گودرز با پیران جنگ کنند. در این فهرست نخستین نام همه جا از سرداران ایرانی و نام دوم از پهلوانان تورانی است. فردوسی، صحنه جنگ یکا یک این سرداران با حریف خویش را با استادی تمام و به زیبایی خیره‌کننده‌ای شرح داده است. اما پیش از آن که در آن با سخن بگوییم اکنون جای آن است که بگوییم چرا این جنگ در شاهنامه هم با زده رخ خوانده شده است و هم دوازده رخ.

چنان که ملاحظه فرموده‌اید، در این جنگ بیژن تنها پهلوانی است که با دوتن نبرد می‌کند نخستین جنگ وی با هومان برادر پیران است. اما این سردار جزء اصلی جنگ نیست، و پیش از صحنه آرای بیژن سردار را نباید دیگر اتفاق می‌افتد.

در این صورت اگر ما سرداران کشته شده توران را بخوانیم دوازده تن هستند: هومان، پیش از جنگ جمعی در نبرد با بیژن کشته می‌شود. سپس با ردیگر بیژن در جمع پهلوانان با روئین نبرد می‌کند و بر او پیروز می‌شود. بنا بر این به این اعتبار می‌توان این جنگ را دوازده رخ نامید. اما صحنه جنگ اصلی، که سرنوشت پیکار ایران و توران را تعیین می‌کند، عبارت از نبرد تن به تن یازده پهلوان تورانی و یازده سپاه سوار ایرانی بود که فرماندهان سپاه از پیش هم نبرد هریک از آن هسار تعیین کرده بودند. به این اعتبار، جنگ اصلی، جنگ یازده رخ است و در این مقام باید عرض کنم که این جنگ بیشتر نیز به نام جنگ یازده رخ خوانده می‌شود تا دوازده رخ.

نبرد پهلوانان

بی شک شرح نبرد تن به تن یازده زوج پهلوان در این

فرماندهان کل هردو سپاه سال خورده، خردمند و تجربه آموخته و گرم و سرد روزگار دیده بودند. هریک از آنسان می‌گوشند که از نظر سوق الجیشی بهترین و مناسب ترین جای را برای مستقر شدن و اردو زدن به دست آورند. در این کار نیز جایگاه مناسب تر نصیب ایران می‌شود. اما تورا نیسان نیز موضعی مستحکم به دست می‌آورند و در آن مستقر می‌شوند. منتهی نکته مهم در این موضع گیری آن بوده است که هریک از این دو سپاه که در نبرد پیش دستی می‌کرد و برای حمله جایگاه خود را ترک می‌گفت شکست وی قطعی بود، چه در پشت سر سپاهیان خصم در کمین بودند و آن مواضع محکم را اشغال می‌کردند و موجب شکست سپاه می‌گردد. تعرض را آغاز کرده بود می‌شدند. از همین روی، چند روز پیش از دو سپاه به دست آورد فرماندهان با تجربه، خویش جایگاه خود را ترک نمی‌گویند و به انتظار حمله طرف مقابل می‌نشینند. رفته رفته سرداران و پهلوانان جوان تر طول می‌شوند. بیژن سرگردان و گودرز، که از سوی مادرین تان در رستم بود پیش پدرو رود او را و برای جنگ آزار می‌خواهد. گیو بدو می‌گوید این کار باید با دستور گودرز صورت گیرد و او نیز بر اثر تجربه به درستی می‌داند چه می‌کند و اگر اکنون آزار می‌دهد رزمی دهد بی شک مصلحت در این کار است. بیژن یکی دور و دیگری یکی در این روز چهارم زینت سپاه

به پیش پدرو (= گیو) شده جا به جا می‌کند همی با سنان بر بر خاک همی گفت کای باب (= پدرو) کار آزمای چوایی بدین خیره بودن جای؟ به پنجم فرار آمد این روزگار شب روز آسایش آمد ز کار بیژن در پایان سخن خویش حتی زبان طعن در گودرز دراز می‌کنند می‌گوید شاید نیای من دیگر پیر شده و از پستی نهادن در میدان نبرد پروا می‌کنم. اما گیو و او را به شکست فرا می‌خواند. از سوی دیگر پیران در جوان پیران فرمانده سپاه توران، که مردی پهلوان و نبرد آزموده بود و هومان نام داشت نیز نزد پیران در رفته از او جایزه جنگیدن خواست. اما پیران نیز به همین ملاحظاتی او را از این کار باز داشت. هومان به سخن برادر گویی نکرد و سلاح بوشید و به سوی سپاه ایران آمد و از زهام (= پسر گودرز) تقاضای جنگ کرد. زهام بدو گفت از سوی گودرز مجاز به جنگیدن نیست. هومان سوی فریبز (= پسرکی کاووس و برادر سیاوش و عموی کی خسرو) رفت و از او جنگ خواست. اما از فریبز نیز همان پاسخ را شنید. سپس نزد خود گودرز رفت و از او جنگ خواست. بدو گفت گودرز کاندیشه کن

که با شد سزا با تو گفتن سخن دلیری مکن جنگ ما را خواه که روهه با شیر ناید به راه اما هومان چون پاسخ گودرز را شنید: به گودرز گفت: آری سپاه به جنگ تو با من، نه زان است کایدت ننگ از آن پس که جنگ پیش دیده‌ای سر از زرم ترکان بیچیده‌ای گفتگوی دو پهلوان دراز می‌شود و گودرز به هیچ روی به جنگ راه نمی‌دهد. ناگزیر هومان اسب می‌تازد و به سوی نگهبانان سپاه می‌رود و سه چهار تن از آنسان را با تبریز زمین می‌افکند. چون بیژن از کردار هومان آگاه می‌شود، سخت بدو بر می‌خورد. پیش پدرو گیو می‌رود و با اصرار از او می‌خواهد که برای جنگ با هومان زره سپاهش را بدو بدهد (تبر و شمشیر به زره سپاهش کار زنی کرد) پدرو برای مصلحت سپاه از دادن زره بدو خودداری می‌کند. اما بیژن می‌گوید که بی زره سپاهش نیز به جنگ هومان خواهد رفت، چون رفتار او ما به سرکستگی ایران تیان نبوده است. گیو پس از آن مل و اندیشه زره سپاهش را به بیژن می‌دهد. بیژن به جنگ هومان می‌رود، مدتی دراز با هم جنگ می‌کنند تا شب نزدیک می‌شود. سرانجام قرار می‌گذاشت می‌گذارند. به گفته فردوسی هومان از بیژن زورمندتر بود:

بیژن فزون بود هومان به زور
هر عیب گردید جو برگشت هور
بزد دست بیژن بسان یلنگ
ز سرتا به پیش بیا زید جنگ
گرفتش به جب گردن و راست، ران
خم آورد پشت هومان گران
بر آوردش از جای و بنهاد پست
سوی خنجر آورد چون باد دست
فرورد و سر کردش از تن جدا
فکندش بسان یکی ازدها
بغلطید هومان به خاک اندرون
همه دشت شد سرسری خون...

یکی از داستان‌های بسیار زیبای بخش حماسی شاهنامه فردوسی داستان دوازده رخ، یا به تعبیر دیگر یازده رخ است (علت این تفاوت شرح داده خواهد شد). در این داستان صحنه‌های بسیار زیبا و جان‌نوا و دیدنی است. اما این حال و هوا را از جوانان ما از آن هیچ آگاهی ندارند. تا خلاصه‌ای از آن را با خوانندگان علاقه‌مند به فرهنگ دیرپای و کهن سال ایران در میان گذاریم.

علت اصلی و محوری اساسی حماسه ملی ایران، جنگ‌های طولانی و تقریباً پایان‌ناپذیر ایران و توران است. دو حادثه آتش این جنگ‌های خان‌مان سوز را در مان زد که یکی کشته شدن ایرج فرزند فریدون و فرمانروای ایران به دست برادرانش سلم و تورا است، و دیگری که موجب پدید آمدن بزرگ‌ترین پیکارهای ایران و توران شد، کشته شدن شاهزاده فرشته‌خوی و بی‌گناه و شجاع و زیبای ایران سیاوش، به فرمان آفراسیاب و برادرش سرخس چینی و حصد بردن گریوز برادر آفراسیاب بود. کین خواهی از قتل جمیع سیاوش است که روزگاری دراز پیران و توران را در دشت نبرد روبروی هم نگاه می‌دارد. پهلوان جنگ‌های ایران رستم، و شاه کوشور در خون خواهی سیاوش کی خسرو پسر او است که شاه جوان و دارای فرمانروایی است. اما خصم ایران تیان آفراسیاب شاه کهن سال، جنگ آورو حمله‌گری است که سالها در زاهد بر پیران ایران تیان با پیداری می‌کنند و سرانجام پس از شکست‌های متوالی به دست کی خسرو که خود نوه دختری اوست - می‌افتد و به انتقام خون سیاوش کشته می‌شود.

جنگ یازده یا دوازده رخ، یکی از صحنه‌های متنوع و زیبا و نسبتاً طولانی سلسله جنگ‌های ایران و توران است. آفراسیاب پس از شکست سختی که در نتیجه دخالت رستم در جنگ ایران و توران خورده بود، هیچ گاه از زیاده‌تلافی شکست خویش غافل نبود. چون به توران رسید، به همسایگان خویش، فغور چین و شاه ختن نسامه نوشت و از آنان کمک خواست. آن گاه پنجاه هزار سوار را به سریشید، داد و او را روانه کرد. آفراسیاب همان چینی نیز پنجاه هزار سوار رزیده برگزیده و وزیر و سردار بزرگ خود پیران سپرد:

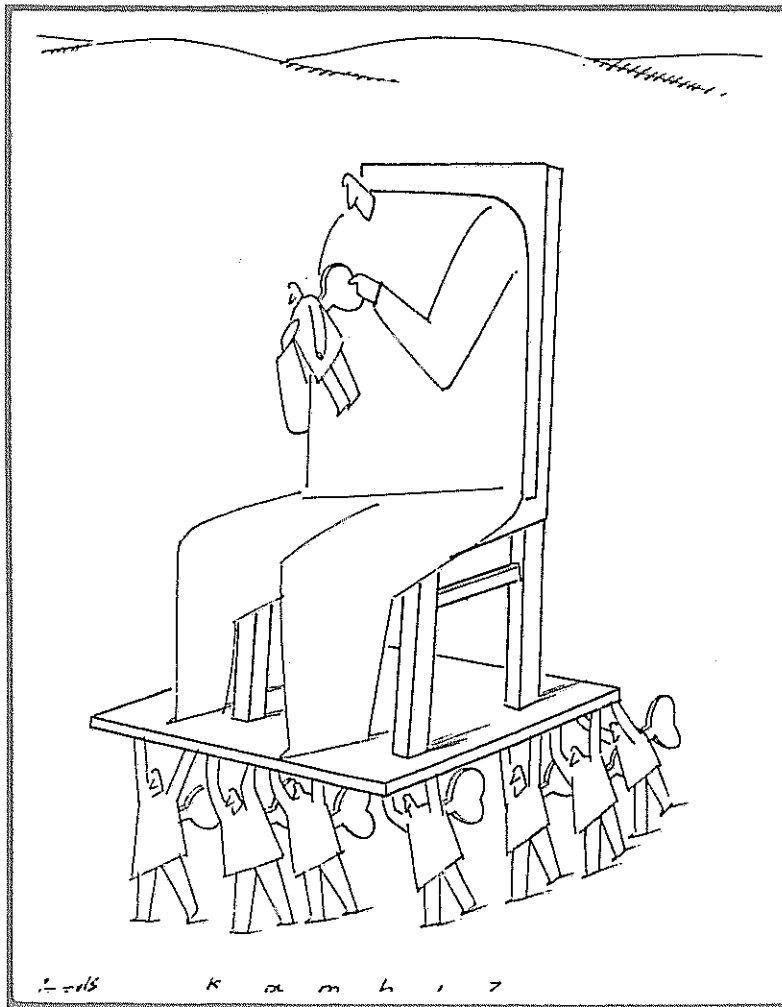
بدو گفت تا شهر (= کشور) ایران برو
رسته تخت بر تخت سالار نو
در آستی هیچ گونه محبوی
سخن جز به جنگ و به کینه مگوی
از سوی دیگر این خبر به کی خسرو می‌رسد. وی نیز سیمصد هزار سوار از بخش‌های مختلف ایران آماده می‌سازد. آن گاه سی هزار از این سواران را به رستم می‌سپرد و او را به فتح هندوستان مامور می‌کند و دستوری می‌دهد که پس از گشودن آن کشور پسر خود فرزند را در آن جا بگذارد و خود برای جنگ با آفراسیاب به ایران بازگردد. به همین ترتیب ثنی چند از سرداران دیگر را نیز با سپاهیان به شهرهای چون الان، گرچه و خوارزم می‌فرستد تا از هر سوی راه‌های رسیدن به سپاه آفراسیاب را فروگیرند. سپس:

چهارم سپه را به گودرز داد
بدو گفت کای گرد پهلوانان
برو با بزرگان ایران به هم
جوگر گین و چون زنگه و گتتم...
بفرمود بیستن کمرشان به جنگ
سوی مرز توران شدن بی‌درنگ
بنا بر این سپاه اصلی ایران با پهلوانان و سرداران متعددی، به فرماندهی گودرز راهی توران می‌شود. کی خسرو در راه روش و طرز رفتار پهلوانان و سپاهیان به گودرز فرمود پس شهرهای که رفتی کمر بستند، کارزار نگر تا نیازی به بیداد دست نگردانی ایوان آباد، پست...

کسی کوبه جنگ نبندد میان
چنان سا ز کرتونینند زبان
گودرز نیز چنین می‌کند. وقتی سپاه او با سپاه توران، به سرداری پیران روبرو می‌شود گودرز پسر خود گیو را به رسالت نزد پیران می‌فرستد و بدو پیاپی می‌دهد که چون دست توبه‌خون سیاوش آلوده نیست، و در باره او، و نیز در باره فرزندش کی خسرو از مهریانی در پیوسته نکرده‌ای، اگر از جنگ و پیکار در گذری و به ایران بیایی همیشه مقدمت نذرا پیران گرامی است و شاهنشاه ایران با توبه شفقت و مهریانی رفتار نخواهد کرد. اما پیران تورانی است - در آن کشور به مقام‌های بلند رسیده و بزرگ‌ترین مشا و آفراسیاب بوده است. از این روی پیران پیش از گودرز را رومی‌کند. فردوسی از زبان پیران بییتی می‌سراید که امروز ضرب‌المثل شده است:

مرا مرگ بهتر از این زندگیست
که سالار باشم. کنم بندگی
گیو با سخ منفی پیران نزد پدرو می‌گردد، اما

حذف داوطلبانه حقایق



کتاب جرج ارول، به نام ۱۹۸۴، در ایران سرنوشت جالبی داشت. تقریباً دو ازده سال پیش از انقلاب اسلامی، ترجمه و چاپ شده بود. ولی از آن جز نسخه‌هایی محدود به فروش صرفت، بقیه در قفسه‌ها یا انبارهای کتابفروشی‌ها خاک می‌خورد. چند هفته یا چند ماه پس از انقلاب اسلامی، نه فقط از کتاب‌ها خاک‌ها سترده شد و بیهوده با زار عرضه گردید، بلکه مترجمان تازه‌ای آن را از نو ترجمه کردند و ناشران تازه آن را به بازار فرستادند. ۱۹۸۴ که پیش از انقلاب اسلامی کتاب فئوس شده‌ای بود، ماه‌ها و بلکه سال‌های تمام در شمار پرفروش‌ترین کتاب‌ها در آمد. ارول، هنگامی که آن کتاب را می‌نوشت، الگوی انقلاب اسلامی را نمی‌توانست در نظر داشته باشد، ولی آنچه او در ایران رمان آورده بود، به نحو غریبی در رژیم اسلامی شکل می‌گرفت، زنده می‌شد، واقعیت می‌یافت، صورت می‌پذیرفت. در سرزمین انقلاب، چنان که ارول شرح می‌دهد، البته کسی دروغ نمی‌گوید،

منتها اسم چیزها عوض می‌شود؛ مثلاً "وزارتخانه‌ای که ما مورنشر خبرهای دستکاری شده است"، "وزارت حقیقت" و "وزارتخانه‌ای که در آن شکنجه داده می‌شود"، "وزارت عشق" نامیده می‌شود. و این تغییرمعنای واژه‌ها به تدریج چندان پیش می‌رود که یک واژه نامی، تازه‌ها نشین و واژه نامی قدیمی می‌گردد.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران از بسیاری جهات شبیه‌تصویری است که ارول در آن کتاب در آن گفته است. از جمله از این جهت که در آن رژیم برای بیان حقایق کهن و واژه‌های نوین که می‌برند و با اصول کلمات تازه‌ای می‌سازند.

در رژیم تهران طرح جیره‌بندی کالاها، اسمش جیره‌بندی نیست، "توزیع عادلانه کالاهاست". یعنی رژیمی که زیر فشار کمبودنا گزیر شده است کالاها را جیره‌بندی کند، می‌خواهد این را به عنوان یک نمونه عدالت اجتماعی به جامعه عرضه کند.

کلمات، حتی در ۱۹۸۴ جرج ارول، هرگز

بقیه از صفحه ۱ انهدام تأسیسات نفتی کرکوک

در این میان، جمهوری اسلامی، شب گذشته (۱۲ اکتبر) اعلام کرد که در پی عملیات پیروزمندان الفتح - یک که با شرکت پاسداران انقلاب اسلامی و کردهای اتحادیه میهنی کردستان عراق انجام شده و به انهدام تأسیسات نفتی و استراتژیک کرکوک انجام می‌دهد. فرودگاه این شهر، دیروز بسته شد. رادیو جمهوری اسلامی در گزارشی در باره چگونگی انجام عملیات علیه کرکوک گفت واحدهای عراقی که قصد داشتند این عملیات چریکی را مهار کنند به درنگ به محاصره درآمدند و شمار کثیری کشته و زخمی برجای نهادند. رادیو رژیم تهران به نقل از جبهه اسلام هاشمی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع اظهار داشت که دوهزار و پانصد تن نیروی انسانی و مقادیر قابل ملاحظه‌ای ملزومات جنگی در عملیات والفتح - یک که جمعه شب و با مداد شنبه (۱۱ و ۱۲ اکتبر) انجام شد، به‌کار گرفته شدند.

هاشمی رفسنجانی که در برابر دانشجویان دانشگاه امام صادق سخن می‌گفت اظهار داشت که شیوه نوین این عملیات از مدت‌ها پیش به‌یاری و به‌همکاری یکی از گروه‌های اپوزیسیون عراق (اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی) تدارک می‌شد.

وی افزود که عملیات والفتح - یک، پاسخ سخت جمهوری اسلامی به حمله‌های بغداد به‌تأسیسات اقتصادی ایران بود. هدف اصلی ما از انجام این عملیات، تضعیف بنیه اقتصادی عراق بود. به این ترتیب، ما می‌خواستیم مانع از غارت منابع اقتصادی عراق از سوی رژیم بعثی حاکم بر این کشور شویم.

روز دوشنبه ۱۳ اکتبر، مقامات رسمی ترکیه اعلام کردند که شاه‌لوله نفتی عراق که نفت کرکوک را به پایگاه‌های ترکیه می‌رساند هیچ آسیبی ندیده است و رئیس‌تأسیسات نفتی ترکیه در شهر بومورتا لیک نیز تا ثقیب کرده است که جریان نفت عراق از زنجیره‌های کرکوک به پایگاه ترکیه بر اثر حمله نیروهای جمهوری اسلامی قطع نشده است.

جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۲ اکتبر اعلام کرد که جنگنده‌های کشور عراق مراکز صنعتی شیراز و اصفهان را بمباران کردند که بر اثر این حملات ۶ تن کشته و ۴۰ نفر زخمی شده‌اند. خبرگزاری فرانسه از بغداد گزارش داد که جنگنده‌های عراقی بعد از ظهر روز ۱۲ اکتبر پایگاه شیراز و کرکوک را به‌تأسیسات سازی و شیمیایی اصفهان را بمباران کردند.

خبرگزاری‌ها - ۱۳ اکتبر ۱۹۸۶

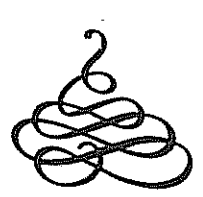
به این اندازه برای پوشاندن واقعیت بکار گرفته نمی‌شدند که در رژیم اسلامی می‌شوند. و شگفت اینکه واقعیت هر قدر روشن و ملموس تر، کلماتی که برای پوشاندن آن بکار می‌رود، غریب و نامفهوم‌تر می‌شوند.

ما هفتاد و یک نفر، کره گیر نمی‌آورند، چون دربار از وجودندارد. خوب، وقتی چنین حالتی پیش آید، به‌زبان متداول می‌گویند که کره کمیاب یا نایاب شده است. هم‌این را می‌فهمند. ولی زبان رژیم - که خود را مردمی هم می‌خواند - در اینجا از همیشه بیشتر از زبان قابل فهم برای مردم فاصله می‌گیرد. می‌گوید: "حذف داوطلبانه" کره از الگوی مصرف. این عبارت را جلویک آدم معمولی کوچک و بزرگ در ایران بگذارید، آیا می‌تواند دربار بدک "حذف داوطلبانه" کره از الگوی مصرف "یعنی اینکه کره دربار از رگبر نمی‌آید؟ از این هم ریاکارانه تر عنوانی است که به تعطیل بیای بی‌کارخانه‌ها و بی‌کارخانگی خیل روزافزون کارگران داده‌اند، به تعطیل شدن کارخانه‌ها می‌گویند؛ تغییر ساختار اقتصادی. انگار که تعطیل یک کارخانه با چند صد یا چند هزار کارگر مانند تغییر دکوراسیون یک مغازه است که باعث شود مغازه چند روز تعطیل باشد و فروشنده‌گان و کارگران در این چند روز از کارغایب باشند.

چیزی ریاکارانه‌تر از این وجود ندارد که در کارخانه‌ای را ببندند و کارگران را باز خرید کنند و بگویند "سیم" ساختار اقتصادی "را تغییر می‌دهیم. کارگر بینوا چه می‌داند" ساختار اقتصادی "یعنی چه. اگر می‌دانست حتماً "بقیه" مسئولان این ناپسمانی را می‌گرفت و می‌پرسید تغییر ساختار اقتصادی چه ربطی دارد به تعطیل کارخانه؟ مگر این همه کارخانه‌ها که ساختار تولید خود را در طول سال تغییر داده‌اند، درهای خود را بستند و کارگران را به درون خود راه ندادند؟

کره دربار از ریبدا نمی‌شود، می‌گویند الگوی مصرف را در تغییر می‌کنند، کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند، می‌گویند ساختار اقتصادی را در تغییر می‌کنند. لابد دربار که کمبود مواد غذا و غذا و غذا می‌گویند الگوی آموزشی را در تغییر می‌کنند.

هنگامی که انسان با چنین لحنی از "تغییر" حرف می‌زند، قاعدتاً "نوید بهبودی" را در آینده می‌دهد. اما در ایران انقلاب زده تغییر یعنی کمبود، یعنی مصیبت، یعنی بی‌کاری، یعنی بینوائی، در چنین حالتی آیا بهتر است نیست که جلوه‌های تغییر را گرفتار شود، مگر یک تغییر: تغییر رژیم؟



خبرگزاری‌ها - ۱۳ اکتبر ۱۹۸۶

داستانی از شاهنامه

یازده رخ یا دوازده رخ؟

گودرز وقتی او را چنین دید دلش بسیار سوخت و زار بگریست و بدو گفت: ای پهلوان نامور تو را چه شد که چنین پیاده از پیش من دوان می‌روی؟ چرا ز لشکر کسی تو را یاری نمی‌کند؟ چون چنین است از من زنه‌ار خواه (= امان بخواه) تا تو زنده بپیش شاه بنیرم، اما پیران از غیرت پهلوانی رضاینداد و گفت: من اندر جهان مرگ را زاده‌ام. بدین ترتیب گودرز بر گرد کوه می‌گشت و بر پیران دست نمی‌سافت. اما به دست سپر و به دست زوبین به سوی او می‌رفت. پیران او را از دور می‌دید و چون فرصتی یافت زوبینی به سوی گودرز به دست پیران زخمی شد به خشم آمد و: بیداخت زوبین، به پیران رسید زره در برش سر بر بردارید زبشت اندر آمد به راه چگر بخلید و آسیمه برگشت برآمدش خون چگرا زده‌مان روانش زتن رفت هم در زمان گودرز، زخمی، اما پیروزمندند گوان ایران با زگشت و نبرد به پیروزی ایران پان یا پان یا پان در جنگ یازده رخ صحنه‌های زیبا و ریزه‌کاری‌های شگفت‌انگیز دربار ره فنون سیاهی گری و لشکر کشی و توجه به ویژگی‌های میدان جنگ و شرح نکات فنی نظمی به فراوانی آمده است و نشان می‌دهد که فردوسی یا خود روزگاری به سیاهی گری گذرانیده یا از این دانش آگاه‌تر و دقیق‌تر و وسیع‌تر دانشه‌است. شاه‌نامه زبسیاری جهات، و از زبدهای گوناگون قابل ملاحظه و مطالعه است. یکی از آن جنبه‌ها نیز جنبه نظامی است. این شاهکار جاویدان هنر و ادب فارسی است.

ولیکن زمردی همی کرد کار بکوشید با گردن روزگار وز آن پس کمان برگرفتند و تیر دوسالار لشکر، دوشیار ربیر یکی تیر بران بگردند سخت چو با رخزان برجه‌برد درخت گودرز در زمین تیر بران، جای حساسی از ره اسب (= برگستوان) پیران را نشان می‌گیرد و تیری به اسب می‌اندازد. اسب از ضربه تیر بر زمین می‌غلتد و پیران از اسب می‌افتد و در زیر سنگینی تنه اسب دست راستش می‌شکند و دو نیمه می‌شود. پیران دانست که زمانش فرا ز آمده است (= وقت مرگش رسیده است) ... ز گودرز بگریخت، شد سوی کوه شاد ز در دست و دویدن ستموه همی شد بر آن کوه سر بر، دوان کز او با زگردد مگر پهلوان ... پیران پهلوانی نجیب و نیک‌خواه و خوش طینت است.

گفتار کوتاه نمی‌کنند، اما برای به دست دادن نمونه خلاصه‌ای از آخرین، و احیاناً جالب توجه‌ترین ایسن نبردها را که رزم گودرز با پیران است عرضه می‌کنیم: صحنه مربوط به وقتی است که تمام سرداران تورانی به دست حریفان ایرانی خویش به قتل آمده‌اند و پیران تنها سرداری است که هنوز زنده مانده است: ... چنان شد که پیران ز توران سیاه سواری ندیدند در آوردگاه (= میدان جنگ) سیه‌دار ایران و توران، به هم فراز آمدند اندر آن کین، دژم ... به تبع و به خنجر به گرز و کمان زهرگونی‌های بر نهاده‌اند بند فراز آمدان گردش ایسزدی زیزدان به پیران رسید آن بدی ... نگه کرد پیران که هنگام چیست بدانست کان گردش ایسزدی است

نامه‌ها و نظرها



حاج نام نامی با نسی را همه ما بوسه های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشت های حسی نویسندگان با ما است و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارکان مرکزی نیست مقاومت ملی ایران با اتحاد همه این بوسه ها نیست. از نویسندگان نامه ها تقاضا می کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با آرزوی نماند نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از جانب نامه های که در آن ها نسبت به انتقادی و گروهی هتک حرمت نمود و با غفلت و سرگوازی قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه ها از ماست.

دیدار با وطن

پائیز اندوهبار

فریدر امین، یکی از همکاران قیام ایران که از سفر ایران بازگشته است یادداشت هایی فراهم کرده است که بخشی کوتاه از این یادداشت ها از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

۱ - اول مهر - پاییز تهران، چنارهای خیابان آنا تول فرانس غبار آلود زرد هنوز درآم آورده اند. دختر مدرسه ای ها با مقننه و روپوشی بسمت خیابان شامروز با تخت چمنید راه افتاده اند. بیست نرده های دانشگاه خیری نیست، خلوت و سوت و کور، تنها نقاشی های دیسوار می هستند که نمای دانشگاه هنرهای زیبا را پوشانده اند. نقش عده ای که جنازه ای را سردست می برند.

نرده های وسط خیابان شامروز کم کم هم قدم مردم شده اند. گویا هر سال بلندتر می شوند. کتا بفروشی ها و بساط نوارهای موسیقی با سماجت سرچاپشان هستند. تا همین دو سال قبل دکه های موقت سی کتا بهای مذهبی زیبا دیدند حالا حتی یکی هم باقی نمانده، چادریزگی که مجاور دروا دانشگاه محل نمایش تصاویر شهید و کتا بهای چاپ تم بود جمع شده است. و کتا اینکه نظرها و محسنه سازی های مبتذل در این گوشه شهر بی شمریده است.

خورشید آرام آرام در انتهای خیابان شامروز قرار می گیرد. اول بهار و اول پاییز خورشید دقیقاً (در راستای همین خیابان طلوع و غروب می کند.

خیابان ۲۱ آذر خلوت است، با وجود این همه دود و هوا هونسیم خنگ چیسوی از پاییزهای قدیمی درخودندارد. هنوز هم می شودگاه گاه آن طرف نرده ها، لابلای سایه روشن برگ ها شبحی از روزهای آرمویی دغدغه دید.

مقابل پارک فرح بساط بلالی ها بر راه است. پسر ها دسته دسته تخمه می شکنند و قدم می زنند. در انتظار دیدن دختر مدرسه ای ها که با وجود مقننه و روپوش باز هم سرخوش و شاداب مانده اند و گوش بزندگ اند تا به محض پیدا شدن اتوموبیل گشت، مقننه را جلوتربکشند ما با که طره مویی سرکتی کند.

۲ - سرکوه شلوغ است. نوبت جدید کوبین نفت را اعلام کرده اند. زن های خیابانها را ظرف ۴ لیتری کنار در خانه ها شان منتظرند. صحبت از زمستان امسال است: "خدا بخیر کند. امسال یک قطره نفت هم پیدا نخواهد شد. نفت که هیچ، امسال زمستان نان هم گیرکتی نخواهد آمد."

بسی رب گوجه فرنگی می آید، همسایه آرمینی مشغول است، رب گوجه فرنگی و عرق. هر دو لازم است، یکی برای مصرف خانگی، دیگری برای تازه میمن معاش. بچه ها خرج دارند. خودکار بیک ۱۵ تومانی را چطور میشود خرید؟

همسایه آرمینی تازه از مسجد برگشته. هنوز دفترچه جدید را نگرفته. نگران است. می گوید اگر دفترچه نیا شد آب هم نمی توانیم بخوریم. همسایه دیگری می گوید: "ببخود که دفترچه ها را عوض نگردند. می خواهند زحال تک تک مسا خیرداشته باشند، می خواهند جوان های مشغول را گیربندازند. جوان ها می ترسند، اکثر "تسلیم می شوند. دفترچه آما ده به خدمت و بعد امیدبه خدا... عده ای هم پنهان

و موتور حرف زد. با لایحه وقت را بسازید گذراند. فعلاً کار دیگری نمی شود کرد. با دید منتظر بود تا پیدا و ضاع عوض شود.

۴ - شهرک غرب - فایزیک - عمله ها دست و صورت را شسته اند و شلوار تمیزی پوشند. محوطه سازی هم کم تمام میشود. مانده تعدادی موزا شیک که آن را هم میشود در بازاریا پیدا کرد. آپارتمان ها تقریباً ۳ ماده تحویل اند. اما تحویل به چه کسی؟ ۱۵ میلیون تومان سرمایه و دو سال کار و بدبختی را کدامانده است. دو سال این درو آن در زدن برای تهیه مصالح، پرداخت عوارض، دریافت صد جور مجوز و پروانه، رشوه ها در در شهر داری... تمامش بیهوده و بی حاصل. آیا رتمان را با بد فروخت ولی کس خریدار؟ کسی از این پول ها نسا زد. تا زگی می گویند بیدخانه را به سلیقه بازاری ها ساخت. راست می گویند. هفته قبل حاج آقای که برای دیدن ساختمان آمد از نبودن گچ بسری روی دیوارها و سقف گله کرد و رفت. دکترها هم پول دارند. آن ها هم خانسواده را فرستاده اند. خودشان تنها یک آپارتمان لوکس را از می کتند به ما می ۱۲ هزار تومان، صبح تا شب کار می کنند و بعد دلار یکی ۸۰ تومان می خرند و می فرستند برای خانواده، و قشش که برسد خودشان هم می روند. پس چکار با بد کرد؟ گاش جنگ تمام شود... مقابل آپارتمان ها دو آدم سگوتنی نیمه تمام قرار گرفته ما حیواناتان طاغوتی بوده اند، فرار کرده اند. حالا چهار خانوار آورده کرد آنجا می نشینند. دور ساختمان ها را نا بیلون گرفته اند. همه کارگرند، کارگر فملی، فعلاً گویا فصل بیکاری است. منظره محله را خراب کرده اند. مشتری ها از دیدنشان دلخور می شوند. اما کومشتری...؟

۵ - خیابان شامروز یا انقلاب... چندتا بنزویچ نیسان آژیر کشان می گذرند. سرها از بترین کتاب فروشی ها به سمت خیابان برمی گردند. روزنامه فروش بی پروا فحش خوارها در می دهد. از بساط نوار فروشی ها صدای آواز می آید، نسیم پاییز درخت های محوطه دانشگاه را آرام می لرزاند و آلابی ها همه هم خیابان و لیزر اتوموبیل ها، بویی از پاییزهای قدیمی تهران را به مشام می رسانند...

پاسخی به نامه استامبول

مدیر محترم قیام ایران، یکی از بزرگترین عیوب غربت، نداشتن مخاطب است و وقتی مخاطب پیدا میشود غریب و آرازدست نمی دهد. خانم یا آقای که با امضا محفوظ، به دیده لطف و محبت به مقاله "شاهاک رتانون اساسی" توجه کرده اند مخاطب هستند که حیفا است با او به گفتگو نشینیم. بنا بر این از جناب عالی خواهش می کنم که این پاسخ را چاپ فرمائید تا با گفتگو و انتقاد دیگر نویسندگان در ۱ - هموطن گرامی ما در درگاه خود در روزنامه قیام ایران مورخ هفدهم بهماه ۶۵ در مورد انتقاد به مقاله "شاهاک رتانون اساسی" به مواردی اشاره کرده اند که از نویسنده نبوده است. از جمله اینکه "انجمن ها در واقع نماینده دولت مرکزی بوده و نظارت بر انتخابات... والخ" را به عهده داشته اند که طبق پانویس شماره ۱۲ از نام منصوره رفیعی بود که مورد انتقاد اینجانب قرار گرفت. وظایف انجمن ها طبق قانون محدود به این موارد نبود، بلکه انجمن ها دارای آن چنین اختیارات وسیعی بودند که حتی امروزه نیز با همه تحولاتی که در کشور اقتصاد کشور داده است می توان از آن اختیارات استفاده کرد.

۲ - هموطن ما، اشاره به وجود اقلیت های ملی در ایران کرده اند و واقعیت را تا بیایدی بر آن دانسته اند، مختصراً "با دیده اطلاع ایشان بر ما نیم که اقلیت مفهوم عددی نیست زیرا اگر بخواهیم این مفهوم را بکار ببریم در این صورت سیاه پوستان آفریقایی جنوبی و سیاه پوستان بعضی ایالات در آمریکا شمالی و سیاه پوستان در سوریه جزو اکثریت محسوب خواهند شد. در حقوق و جامعه شناسی اقلیت مفهوم

دیگری دارد و تابعی از روابط بین یک گروه با گروه حاکم است. اگر گروهی در داخل جامعه ای باشد که در تبعیض بوده و از جامعه خارج باشد و در آنجا تنها احساس همبستگی باشد که آن ها را از سایر گروه ها مشخص و معلوم کند در این صورت میتوان گفت با یک گروه اقلیت روبرو هستیم.

سیاه پوست آفریقایی جنوبی از لحاظ تعداد در اکثریت است ولی با آنکه سیاه پوست آپارتاید، از جامعه خارج بوده و در تبعیض است و احساس مشترکی هم بین او و سفید پوستان وجود ندارد. سنی مذهبان سوریه نیز از لحاظ تعداد در اکثریت اند ولی گروه حاکم را گروه علویون تشکیل می دهند که از هج نوع مشارکتی را به سنی مذهبان نمی دهند و آن ها را از ارتقای به مشاغل محروم می کنند.

مثال های دیگر نیز شاهد این مدعا است. هموطن ما می توانند حتی یک مورد را در ایران نشان دهند که شخص یا شخصی را به علت وابستگی قومی از ارتقای به مقامی ممانعت کرده باشد و یا در درمتمن جامعه به حساب نیاروند؟

اکثریت وزرای ایران بعد از قاننون اساسی را غیر فارس ها (فارس به معنای استان امروزی است ولی مدعیان رهبری خلقی ها همه را قاطی می کنند و بیرون گیلک را نیز فارس می خوانند) تشکیل می دادند. کریم خان زند کرد بود و زبان چند سلسله زلطلاییان ایران آذربایجانی بود ولی همه این ها مانع نمی شده بلوچ یا گیلک از حقوق خود محروم بمانند.

۳ - هموطن گرامی اشاره به سیستم فدرالیسم نموده اند که عیار رتست از فن تشکیل یک دولت از اجتماع دولت های مختلف. بدون اینکه بخواهیم وارد خوبی یا بدی چنین سیستمی شوم، سؤال می کنم مگر سیستم مالک محروم چه عیبی دارد که باید آن را بدورا فکنیم و تقلید از خارج کنیم. مالک محروم ایران سابقه طولانی دارد و با مجموع اوضاع و احوال کشور نیز منطبق است.

۴ - اشاره به ملت آذربایجانی فرموده اند، اگر لغت ملت را به معنای ایرانی آن بکار ببرید با شما موافقت ولی اگر ما شند مدعیان رهبری خلقی های آن را به معنای فرنگی آن بکار ببرید در این صورت باید بگویم که چنین ملتی در ایران وجود ندارد و در واقع آن در کتابی که نگارنده این سطور در دست تألیف دارد و میداست به چاپ برسد داده شده است.

۵ - راجع به تحلیل فرهنگها مرقوم داشته اند، تردیدی نیست که تحلیل فرهنگ های قومی باعث فقر فرهنگ ملی خواهد گردید به همین دلیل نویسنده اعتقاد دارد که باید در شکوفائی آن ها کوشید و زبان های محلی را آموزش داد اما فراموش نفرمائید که نه زور و نه قاننون قادر به ایجاد فرهنگ نیستند زیرا فرهنگ پدیده ای است اجتماع و این بیشتر به خود ا قوام مربوط است تا به حکومت مرکزی.

در مورد زبان هر چند که جواب آن با آقای ها دیهیزاد است ولی زبان می مورد قبول جامعه قرار می گیرد که خاصیت نقل و انتقال داشته باشد و بتواند درجه های مختلف فرهنگی را برای افراد جامعه با زکند و آلا زبان که فقط قادر به رفع احتیاجات روزمره قومی با شدمی تواند در جامعه ای مورد قبول قرار گیرد. همه شمرا آذربایجانی را کسی بزور وارد به شعر گفتن به پارسی نکرده همانطور که کسی شاه اسماعیل را با جیبسار وادار به سخن گفتن به زبان آذری نکرده و سلما " دولت مرکزی ایران آنچنان قدرتی نداشت که شاه سلیم سلطان عثمانی را بزور وادار به شعر سرودن به زبان فارسی نماید ۱۱

۶ - نه در مقاله موزدا نتقا دهموطن ما و نه در کتابی که به چاپ خواهد رسید "واقعیت" از نظر دور نمانده بلکه در نظر گرفتن آن ها و با توجه به سابقه تاریخی کشور ما سنی شده است. مقدمه ای برای راه حل داده شود تا مجالی برای مداخله بیگانگان پیش نیاید. بدیهی است این مقدمه به همت هموطنان دیگری که در مورد آن اظهار نظر خواهند کرد تکمیل خواهد شد.

منوچهر پاک

تهدیدهای تازه

باز دیگر تهدیدهای تروریستی هماهنگ علیه فرانسه اوج می گیرد. سازمان جها د اسلامی، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای و ارتش سری ارمنستان معروف به "آسالا" به طور هماهنگ تهدیدهای خود را علیه فرانسه از سر گرفتند.

روزنامه "لیبراسیون" چاپ پاریس نوشت: فرانسه زیر شلیک های متقاطع گروهکهای تروریستی خاورمیانه قرار گرفته است. روز ۴ اکتبر کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای، اعلام کرد چنانچه سه تروریست زندانی در فرانسه، یعنی ژرژ براهمیدالله، انیس نقاش، و روژان گاربیچیان آزاد نشوند عملیات تروریستی خود را در فرانسه از سرخواهد گرفت.

از سوی دیگر سازمان تروریستی جهاد اسلامی با ردیگرپیام سه تن از گروهکهای فرانسوی را که در یک کاست ویدئو ضبط شده بود همراه با اعلامیه ای برای یک خبرگزاری غربی در بیروت ارسال داشتند. دودپلمات فرانسوی، مارسل کاترن، و مارسل فونتن، و روزنامه نگار فرانسوی ژان پل کوفمن، در این نوار ویدئو در حالی که آشکارا زیر تهدید تروریست ها قرار داشتند اعلام کردند که آزادی آن ها موکول به اقدام دولت فرانسه برای آزادی ۱۷ تروریستی است که در کویت زندانی هستند. این عده که عضو حزب الدعوه و وابسته به جمهوری اسلامی هستند، به علت انجام عملیات تروریستی مختلف در خاک کویت که منجر به قتل ده ها نفر افراد بی گناه گردید زندانی هستند. دولت کویت با رها اعلام کرده است که به هیچ عنوان حاضر به آزاد کردن این تروریست ها نیست.

از سوی دیگر ارتش سری ارمنستان معروف به "آسالا" از سازمان جها د اسلامی خواست ژان پل کوفمن یکی از گروهک های فرانسوی را به قتل برساند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، شخصی که خود را "واهران" سخنگوی ارتش سری ارمنستان معرفی می کرد، روز ۷ اکتبر طی تماس تلفنی با یک خبرگزاری غربی در بیروت اظهار داشت: به علت سفر شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل به فرانسه ما از سازمان جها د اسلامی می خواهیم قانون شرع اسلام را در مورد ژان پل کوفمن جا سوس صهیونیست اجرا کنند و وی را به قتل برسانند.

سخنگوی آسالا افزود: ما حکم اعدام را در مورد فرانسوا میتران رئیس جمهوری صهیونیست فرانسه اعلام کرده ایم و آن را سرانجام اجرا خواهیم کرد. ما به ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه نیز که در دام فرانسوا میتران افتاده است هشدار می دهیم. سخنگوی ارتش سری ارمنستان، همانند کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای خواستار آزادی ژرژ

جبهه های اعتیاد

بقیه از صفحه ۱
راه حل اجتناب از درکجاست؟ در این است که معتادان را برای بازآموزی به جزیره ای تبعید کنند که تا می نماند؟ در این است که جوانان ما را از زی هویی دنیا ای اعتیاد به بی هویتی یک جزیره بی نام و نشان گسیل دهند؟ بازآموزی به کدام معنی است؟ به خاک سپردن هویت گذشته است یا بازآوردن آن هویت؟

اعتیاد در جامعه ما دامنه ای چنان گسترده یافته است که عوامل رژیم نیز نمی توانند چشم بر آن فرو بندند، خاصه آن که جبهه های جنگ بدان آلوده شده است. بسیاری از جوانان ما معصوم به جبهه برده می شوند و اگر گشته نشوند، معتاد برمی گردند. اما سه سئوالاتی را که باید در رژیم دربار جنگ، دیگر نمی توان نادیده گرفت: منظور واقعی آن را بپوشاند.

افزایش تعداد معتادان یک طرف و پایین آمدن سن اعتیاد یک طرف، آنچه در این رهگذر خود را کند ترا زهمیشه نشان داده است، تیغ حدوتعزیر است. رژیم اسلامی در آغاز کار برای مبارزه با مواد مخدر، شیخ صادق خلخالسی، تکخال خونت خود را به میدان فرستاد. اما خلخالسی در انباشتن جیب های خود مهارت و توانایی بسیار بیشتری نشان داد تا در مبارزه با مواد مخدر. آیت الله خمینی که در زمان شاه گفته بود قاچاق مواد مخدر از لیبته کسار ناپسندی است، لکن مستوجب اعدام نیست، هنگامی که خودش قدرت را بدست گرفت، این فتوایش را ماندگار بسیاری فتوای دیگر فراموش کرد.

چندر "اندرونی" بیت امام و چند مکان مستثنی شده دیگر، رژیم همه جا بسا خونت با مسئله اعتیاد رویرو می شود. برای استیلا نیز شما رگسانی که به جرم خرید و فروش مواد مخدر، به وسیله رژیم تهران اعدام شده اند، به هیچ وجه با گذشته درخور مقایسه نیستند. هر چند که رژیم بعضا "مخالفاً" سیاست خود را نیز به همین جرم اعدام کرده است. ولی این خونت عربی را حاصلی که ما "موران انتظار" را داشتند به بار نیاورده است.

مقام های شهربانی به درست می گویند که اگر یک چاره اجتماعی اندیشیده نشود، هیچ مبارزه اداری و قانونی نمی تواند کار ساز باشد. ولی رژیم اسلامی کجا و حل اجتماع مسئله اعتیاد کجا؟ این رژیم کدام مسئله اجتماعی را توانسته است حل کند که بتوان از او انتظار رحل مسئله اعتیاد را داشت؟

به عکس، همه اسباب اجتماع اعتیاد در این رژیم فراهم آمده است: کاهش ظرفیت دانشگاه ها، کمبود امکانات ورزشی، بیکاری، وحشت آلوده این ها از عواملی است که خاصه جوانان نومیید ما را به با تلاق اعتیاد می کشاند. اعتیاد به صورت وسیله ای برای فراموش کردن یا تحمل کردن واقعیت جمهوری اسلامی در آمده است. در برابر واقعیت های تلخ محیط اجتماعی هر کس به گونه ای واکنش نشان می دهد. برخی از جوانان خود را به آب و آتش می زنند و مرزهای کشور را در می نوردند تا در دنیا نا شناخته خارج از کشور بخت خود را بیازمایند. برخی دیگر به مواد مخدر پناه می برند. فرار از واقعیت، جوهر اصلی و درونمایه این واکنش ها را می سازد.

این از خسران های جبران نکردنی است که باعث آن جز رژیم اسلامی نیست. خسارت های مالی و مادی را یک ملت با لئوسه آسان می تواند جبران کند. ولی جبران این سرمایه بزرگ انسانی که بر باد می رود، به هیچ وجه آسان نیست.

ابراهیم عبدالله، رئیس ارتش انقلابی لبنان، انیس نقاش، عامل سوء قصد نا فرجام علیه جان دکتر بختییار و روژان گاربیچیان، عضو سازمان آسالا گردید.

خبرگزاری ها - ۷ اکتبر ۸۶

هشدار به اسد

به نوشته هفته نامه آفریقای جوان، ایادالمحمود، دپلمات سوری که هفته گذشته به مدت ۴۸ ساعت در تهران ربوده شده بود، آنچنانکه مقام های جمهوری اسلامی سوری ادعا کردند، قربانی یک توطئه ای امپریالیسم و صهیونیسم نشده است.

محمود که در تهران وظایف یک کنسول را عهده دار است، از سوی گشت مرز معروف ونهی از منکر توقیف شد، زیرا در حال مستی، یک دختر جوان الجزایری را که نه همسر و نه خواهرش بود، همراهی می کرد. این دختر الجزایری ملیحه الاحسن نام دارد که منشی سفارتخانه ای یک کشور عرب در تهران است. وی با محمود در طول یک میهمانی در سفارت ژاپن آشنا شد و با زداشت دپلمات سوری هنگامی صورت گرفت که آن دو قصد پیاپی شدن از ژنوموبیل را داشتند.

آفریقای جوان می افزاید: مقام های رژیم اسلامی مدتی است که از رفتار برخی از دپلمات های سوری، که بر بی مذهبی دولت خود امر را دارند، ناراضی هستند. این دپلمات ها در هیچ فرستگویی از نوشیدن مشروبات الکلی فروگذار نمی کنند. آفریقای جوان در بیان می نویسد: با زداشت دپلمات سوری به نظر نمی رسد که با موافقت مقامات اسلامی بوده باشد. قبلاً شایع شده بود با زداشت وی در واقع هشدار از سوی خمینی به حافظ اسد است تا موضع خود را در جنگ خلیج فارس، به نفع جمهوری اسلامی روشن کند.

درگذشت

یک هنرمند تا تر ایران

محمد علی جعفری کارگردان و بازیگر شناخته شده سینمای ایران روز ۲۸ سپتامبر در ۶۱ سالگی در تهران درگذشت. جعفری، فارغ التحصیل هنرستان تئاتر تهران بود و در تئاترهای فردوسی و سعدی در نمایشنامه های مختلفی بازی کرده است. چراغ گاز، ولین و مورفین از جمله نمایشنامه های بی بدگانه او است. کارگردانی و نقش آفرینی اش روی صحنه آمده است.

بعدها، جعفری در چند فیلم نیز بازی کرد و فیلم های الکلی و مورفین را کارگردانی کرده بود. روز شنبه ۴ اکتبر مراسم یادبود و بزرگداشت این هنرمند ایرانی در خانقاه صفی علیشاه برگزار شد که گروه کثیری از نویسندگان و شاعران و هنرمندان در مراسم شرکت جستند. دریا ریس، روز جمعه دهم اکتبر مراسم یادبود از سوی خانواده جعفری برگزار شد که گروهی از ایرانیان مقیم پاریس در این مراسم حضور یافتند.



شورای امنیت سازمان ملل و جنگ ایران و عراق

خواستار شده است قطعنامه های قبلی سازمان ملل، مبنی بر قطع جنگ و آغاز مذاکرات را رعایت کنند و از دبیرکل سازمان خواسته شده است به تلاش های خود برای خاتمه دادن به جنگ بیفزاید.

بر اساس این قطعنامه، پس از بازگشت "دیه گوردووز" از ماه موریت خود، شورای امنیت برای بررسی نتایج سفر وی با ردیگر تشکیل جلسه خواهد داد.

خبرگزاری فرانسه می افزاید: جمع آوری ۶۰۰ هزار تا یک میلیون سربا ز در طول جبهه های جنگ از سوی جمهوری اسلامی و تهدیدهای سران رژیم تهران، کشورهای عرب خلیج فارس را به شدت نگران ساخته است و به همین جهت خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شدند.

در این حال نماینده آمریکا دیروز در شورای امنیت با ردیگر تا کید کرد که گسترش دامنه جنگ به کشورهای دیگر "تهدیدی بزرگ" علیه منافع آمریکا تلقی خواهد شد.

سهرز قیل، سید راجائی خراسانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، با ردیگر اعلام کرده بود که جنگ تا سقوط رژیم عراق یا تنبیه متجاوز و برقراری عدالت ادامه خواهد داشت. علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته از کشورهای عرب خلیج فارس خواست دست از حمایت خود از عراق بردارد و با جمهوری اسلامی یک بیمان دفاعی امضاء کنند. وی این کشورها را تهدید کرد که چنانچه تسلیم پیشنهادها ی جمهوری اسلامی نشوند، "منافع ملی خود را به خطر خواهند انداخت".

خبرگزاری فرانسه - ۹ اکتبر ۸۶

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ماه آینده یک مقام بلند پایه سازمان ملل متحد برای میانجی گری میان جمهوری اسلامی و عراق عازم دو کشور می شود.

منابع مطلع در سازمان ملل متحد دیروز گفتند "دیه گوردووز" معاون دبیر کل سازمان ملل متحد، در تلاش جدیدی برای خاتمه دادن به جنگ هفت ساله جمهوری اسلامی و عراق وسیع در اواداشتن جمهوری اسلامی به پذیرش مذاکرات ماه آینده عازم تهران و بغداد خواهد شد.

به گفته همین منابع، جمهوری اسلامی و عراق هر دو امموریت میانجی گری سازمان ملل را پذیرفته اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از نیویورک شورای امنیت سازمان ملل عصر روز ۸ اکتبر به اتفاق آراء از دبیرکل

سازمان ملل خواست به تلاش های خود برای برقراری آتش بس میان جمهوری اسلامی و عراق بیفزاید. اعزام "دیه گوردووز" به ایران و عراق در چارچوب این تلاش ها و همچنین قطعنامه ای قرار دارد که عصر روز ۸ اکتبر به تصویب ۱۵

عضو شورای امنیت رسید و به ۴ روز میباحثات شورا پایان داد. در جلسات شورای امنیت که به تقاضای ۷ کشور عرب برای رسیدگی به جنگ جمهوری اسلامی و عراق تشکیل شد، علاوه بر عراق و کشورهای عرب خلیج فارس، حدود سی کشور دیگر و همچنین عضو دائمی شورای امنیت به بحث و گفتگو پرداختند و همگی بدون استثناء نگرانی خود را از ادامه این جنگ که یکی از پرکشترترین جنگ های نیمه دوم قرن بیستم است، اعلام کردند.

در این قطعنامه با ردیگر از طرفین

انحلال

يك سازمان در دسر آفرین

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یکی از سازمان‌هایی که در اوایل انقلاب اسلامی، از تجمع چندگروه افراطی تشکیل شده بود منحل گردید.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران در شماره‌ی روز دوشنبه ۶ اکتبر نوشت: حجت الاسلام حسین راستی کاشانی، نماینده روح‌الله خمینی در این سازمان، دیروز استعفای خود را تسلیم خمینی کرد و موافقت وی را برای منحل کردن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به این عنوان که اعضای آن عازم جبهه هستند، بدست آورد.

سازمان مذکور، در اوایل انقلاب اسلامی از اجتماع هفت گروه که تخصص اصلی آنها عملیات خشن خیابانی بود تشکیل شد. بسیاری از اعضا، اولیه آن را بنیاد گزاران سپاه پاسداران چون «ابوشریف» تشکیل می دادند. بهژاد نبوی، وزیر فعلی صنایع سنگین، چندی قبل به علت فشاری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر لزوم دولتی شدن اقتصاد، از این سازمان کناره گرفت.

به گزارش خبرنگاری فرانسه، در بهمن ماه گذشته، بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در ارتباط با انفجار نخست وزیری در سال ۱۳۶۰ که منجر به قتل محمدعلی رجایی و محمد جواد باهنر گردید دستگیر شدند و گروهی از آن‌ها چندی بعد با وساطت خمینی آزاد گردیدند.

بقیه از صفحه ۱

غرب و تروریسم ایت‌الله

می‌گیرد» ما مبرده در مورد صدور اسلحه از انگلیس به موتورونجیر تاک‌های «جیفتن» اشاره کرد و گفت: گرچه این وسائل به صورت ظاهر آلت قتاله نیست ولی آیا واقعا " اینطور است؟

آقای تمیل موریس در پایان اظهار داشته: جای خوشوقتی است که صدای ایران در این وضع ناگوار مملکت از طرف نهضت مقاومت ملی ایران در خارج شنیده می‌شود. ما نظریات نهضت را ارج می‌نهیم و برای رهبر و اعضای آن آرزوی موفقیت می‌نمائیم.

نماینده دیگری مراحل تروریسم را در جمهوری اسلامی تحلیل نمود و گفت: این رژیم در ابتدا با تروریسم سرکار آمد و سپس با ادا مه تروریسم و سلطه بر ایران بکار خود ادامه داد و در مرحله سوم به صدور تروریسم به کشورهای دیگر پرداخت.

سپس نماینده هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران، ناخدا انگلستان، در باره کارها ماه هفت ساله رژیم خمینی از لحاظ نقض فاحش حقوق بشر در ایران و اقدامات آن رژیم در جهت شرکت در تروریسم بین المللی گزارش مستندی عرضه کرد و گفت:

"انتظار ما از کشورهای غربی بخصوص انگلستان تنها هم پیشتیبانی معنوی از نظریات نهضت است. ما از کشورهای غربی انتظار داریم فروش اسلحه به ایران و عراق را جدا جلوگیری نمایند.

از دولت انگلستان خواستاریم که دفتر شرکت ملی نفت ایران در شماره ۴ ویکتوریا استریت راکه در شش سال اخیر در حدود چهار میلیون دلار اسلحه از کشورهای مختلف خریداری و به ایران ارسال کرده است تعطیل نمایند.

انتظار نهضت مقاومت ملی ایران از کشورهای دموکراسی غربی و بخصوص انگلستان اینست که توجه داشته باشند وضع ناگوار ایران روزی پایان خواهد یافت زیرا ایران در دوران تاریخی بر جا داشته خود نظارت این قبیل اوضاع دلخراش بسیار دیده است و این بار نیز عاقبت نیروهای ملی و وطن پرست ایران در تلاش خود جهت استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک و توفیق خواهند یافت.

امید داریم کشورهای غربی در سیاست فعلی خود در قبال ایران با توجه به منافع ملی خودشان جانب واقع بینی را رعایت نمایند.

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

ایشان ب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی : Nom

نام : Prénom

آدرس : Adresse

مایلیم نشریه «فصلنامه ایران» را به مدت یک سال () به مبلغ ... فرانك اشتراك به حساب پستی نشریه () حواله شد.

تجربید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

تاریخ : امضا

شماره حساب پستی :

QYAM IRAN

C.C.P No: 2400118/E

PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN

Crédit du Nord

78, Rue de la Tour

75116 Paris

Compte No: 11624700200

توجه لازم

شماره حساب بانکی اشتراك را به آدرس

فصلنامه ایران ارسال فرمائید. نام ما را

که به آدرس حساب پستی یا بانکی

فرستاده شود، بدین نام می‌رسد.

نشانی پستی شاخه‌های

نهضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA

PO BOX 52278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND

PO BOX 130
H600 TULLINGE
SWEDEN

FDS - MOSS
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA

NEHZAT
P.B. 246
J230 AE BRIELLE
HOLLAND

A CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN

NAMIR
PB-1002
STN B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA

A.R CASELLA
POSTALE 601
00187 ROMA
ITALIA

وسيله ما موران انتظامی ولی بدون اشاره به فرمان عزل دکتر محمد منتشر کرد. همان وقت عده‌ای از جمله سرلشکر با تمام نقل و حرکت بیرون به عنوان شرکت در توطئه توقیف شدند و فرماندار نظامی اعلام کرد که هر کسی اطلاعاتی دهد که منجر به دستگیری سرلشکر شود ۱۰۰۰/۵۰۰ ریال جایزه دریافت خواهد کرد. همان هنگام جمعی هواخواهان حزب توده با شعارهای فداشکنی در خیابان‌ها شروع به تظاهرات کردند کتاب "بایان امپراتوری" که موضوع فیلم موسوم به همین نام را شرح می‌دهد می‌گوید (۷):

بنابراین گفته ریچارد تم (نویسنده کتاب ناسیونالیسم در ایران) که اینک برای سیا کار می‌کرد برادران رشیدیان از این فرصت استفاده کردند و جمعی مردم را که در اختیار داشتند به خیابان‌ها فرستادند که با تظاهرات به توده‌ای بودن... مساجد و روحانیون راستگاران کنند. منظورشان این بود که اکثر مردم ایران را بترباندن با و رکنندگی بیرونی مدق بیروزی توده و شوروی وی دینی خواهد بود.

در این وضع بدیهی است که حالت بی‌ای سی که روز ولست می‌ترسید به او همکارانش دست دهد تحقیق یا نیست. و درها وی سی نویسد (۸) "بنظری آمده همه چیز از دست رفته است. شاه روز ۱۶ اوت با ملکه، شریکا و معدودی درباریان فرار کرد. آن‌ها کمی در بغداد توقف کردند و بعد به رم رفتند، در هر دو پایتخت سفرای ایران از استقبال آن‌ها خودداری کردند. در تهران قیوای پلیس به جستجوی زاهدی که سفارت آمریکا او را مخفی کرده بود پرداختند. جایزه مهمی برای دستگیری او وعده داده شد... سرمقاله روزنامه تا می‌زنند شما ره ۱۷ اوت ما بیوسانه نوشت با پیدا ایران چشم پوشید.

من آن وقت در توکیو بودم و اخباری که می‌رسید هر چند مختصر بود ولی مرا بی نهایت آفسرده کرد. در سفارت مان شنیدم که چرچیل از شنیدن این خبر گوئی منفجر شد.

- ۱ - K. Roosevelt: Countercoup . 1979
- ۲ - کلیات این روایت با مقاله‌ای که به شکل سریال در مجله اطلاعات تا ماه مه سال ۱۳۳۶ منتشر شد تطبیق می‌کند.
- ۳ - Countercoup 170
- ۴ - Countercoup 179
- ۵ - Woudhouse 128
- ۶ - Countercoup 175
- ۷ - End of Empire 220
- ۸ - Woodhouse 128

بقیه از صفحه ۹

و نهضت ملی ایران در گشایش جیب و راست

به او تلفن کردم که شما چه خبر دارید معلوم شد که بعد از آمدن سر تیب ریاحی گارد شاهنشاهی کودتای راکه در نظر داشتند شروع کرده است. روز ۲۵ مرداد دولت اعلامیه‌ای در خصوص رویداد شب قبل به شرح زیر صادر نمود:

"از ساعت ۱۱ ونیم دینسب یک کودتای نظامی به وسیله افسران گارد شاهنشاهی به مرحله اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب که ابتدا در ساعت مزبور نفرات نظامی مسلح به سمت تیرو اسلحه دستی وزیر امور خارجه (دکتر فاطمی) و وزیر راه (حق شناس) و مهندس زیرک زاده را در شمیران توقیف کردند و برای توقیف رئیس ستاد ارتش نیز به منزلشان مراجعه نمودند ولی چون تیمسار ریاحی در ستاد ارتش مشغول کار بودند به دستگیری ایشان موفق نشدند.

در ساعت ۱ بعد از نصف شب نیز سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیب ارتش و یک زره پوش به منزل آقای نخست وزیر آمده به عنوان آنکه می‌خواهد نامهای به بعد قضا شغال خانسه را داشته است ولی چون محافظین منزل نخست وزیر در مراقب کار خود بودند بلافاصله سرهنگ مزبور را توقیف کردند.

توطئه کنندگان... معاون ستاد ارتش (کیانی) راکه برای سرکشی به باغ شاه رفته بود در همانجا توقیف نمودند و زیر خارجه و وزیر راه و مهندس زیرک زاده را از توقیف گاه سعدآباد به وسیله چهار کامیون نظامی مسلح به شهر آورده به ستاد ارتش به تصور اینکه همکارانشان "قیلا" آنجا را اشغال کرده اند بردند. ولی چون در آنجا وضع را مساعد ندیدند آنان را مجدداً "به سعدآباد برده و در توقیف گاه گارد شاهنشاهی تا ساعت ۵ صبح نگاه داشتند. در این ساعت که نقشه کودتا بلا نشده بود معاون ستاد ارتش که از توقیف باغ شاه رها می‌یافت به سعدآباد رفته آقایان را بمنزلشان برگرداندند ما مورین انتظامی از این ساعت ابتکار عملیات را بدست گرفته و جندتن از توطئه کنندگان دستگیر گردیدند. اینک به شرح اتفاقات بعد از نیم شب ۲۴ می‌روداد می‌پردازیم. اولین تصمیمی که مجریان طرح کودتا پس از رسیدن خبر شکست گرفتند تهیه تعداد زیادی فتوکپی فرمان انتصاب سرلشکر زاهدی بود. این کار

متهم شماره یک

مطبوعات فرانسه پیش از پیش جمهوری اسلامی را مسئول سوء قصد های خونبار با ریس معرفی می کنند. هفته نامه "اوتمان" دوژودی "در شماره تازه" خود از قول یکی از مسئولان بلنسد با به سازمان آزادی بخش فلسطین نوشت: بمب گذاری های پارسیس کار جمهوری اسلامی است. هفته نامه "اوتمان" که به مناسبت سفر ابویاز، مسئول امور امنیتی سازمان آزادی بخش فلسطین به پارسیس، چند گزارش مفصل دربار "مسائل فلسطینی ها" و خاورمیانه و تروریسم چاپ کرده است، می نویسد: یکی از اعضاء بلندیا به "سازمان آزادی بخش فلسطین که ترجیح می داد دانشا سیمانند به ما گفت: من در سفر رسمی بسرنمی بررم و در نتیجه آنچه را ابویاز نتوانست بشناسد بگوید، من می توانم بگویم. وی سپس جمهوری اسلامی را مسئول سوء قصد های پارسیس دانست و گفت: از آنجا که سوریه به انوع گروه های تروریستی لبنان را زیر پوش خود گرفته است فوراً "مسئود" سوژن قرار می گیرد، اما نگاه ها باید متوجه سازمان های امنیتی جمهوری اسلامی باشد که از طریق حزب الله، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای را آلت دست قرار داده است. البته سوریه هم مخالفی با این عملیات ندارد. مسئول بلنسد پای به فلسطینی افزود: انگیزه های جمهوری اسلامی روشن است. اخراج نیروهای مخالف خمینی از فرانسه، بازگشت دودانشجوی عراقی به فرانسه، که این دودرخواست تا حدودی بسر آورده شد. اما آزادی انیس نقاش، بازپرداخت وام یک میلیون رددلاری و قطع فروش اسلحه به عراق هنوز انجام نگرفته است. اما هم کمک فرانسه به عراق بیشتر از همه جمهوری اسلامی را خشمگین می سازد و عملیات تروریستی زمین جا ریخته می گیرد. حضور فرانسه در لبنان را نیز باید به عنوان تاراجی کنشده جمهوری اسلامی افزود. مسئول سازمان آزادی بخش فلسطین اضافه کرد: ما این که چرا انیس نقاش در زندان، اعلام کرد که به کلی از این ماجرا دور است و با کمیته همبستگی آشنائی ندارد و مخالف عملیات تروریستی است، دلیل روشنی دارد. وی میباید که در صورت خروج از زندان، سرگ در انتظار است و دوستانش او را خواهند گشت، زیرا هیچ گاه اعترافات او را پس از بازداشت شدنش نخواهند بخشید.

الفتح، متهم می کند

ابویاز، مسئول امور اطلاعاتی سازمان آزادی بخش فلسطین که هفته گذشته به پارسیس سفر کرد، در مصاحبه ای با هفته نامه "اوتمان" جمهوری اسلامی را عامل بمب گذاری های پارسیس دانست. وی در پاسخ به خبرنگار "اوتمان" که نظر وی را در باره دخالت برادران عبدالله در این ماجرا پرسید، گفت: آنچه در پارسیس اتفاق افتاد نمی تواند یکسار فردی باشد، بلکه کاریک دولت است. فراموش نباید که برادران عبدالله را اهمیت زیاد می دهد و این دلیل آن را نمی فهمم. نباید فراموش کرد که کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی عرب و خاورمیانه ای، خواستار آزادی انیس نقاش، نیز شده است. ابویاز در پاسخ به این که چه کسی خواهان آزادی انیس نقاش است، گفت: یک جنبش وابسته به جمهوری اسلامی.

ابویاز در این مصاحبه همچنین فاش کرد که سازمان وی هر روز اطلاعات خود را در اختیار مقامات اطلاعاتی فرانسه قرار می دهد. وی آن ها همکاری تنگاتنگ دارد. وی در پاسخ به این سؤال که آیا شما جمهوری اسلامی را متهم می کنید گفت: دولت فرانسه در این ماجرا اسمی از دولتی نبوده است و دلیلی ندارد که من این کار را انجام دهم. اما دولت فرانسه بخوبی عامل این سوء قصد ها را می شناسد. اما اطلاعات ما را به طور

درخت اعدام!

بقیه از صفحه ۱

ما درم نقل می کرد که وقتی پدرم به خانه بازگشت رنگ بر چهره نداشت. حالت قیافه اش بکلی عوض شده بود. بی آنکه کلمه ای حرف بزند خودش را به اتاق خواب رسانید و روی تخت دراز کشید. پس از آن، ناگهان شروع کرد به لرزیدن. آنچه در آن صبحگاه پدرم دیده بودم مثل کابوس هولناکی برای مدت ها اعصابش را بهم ریخت و بر اعماق روحش اثر گذاشت. او دیگر به کودکانی که در کنار پدرم در شان سلاخی شده بودند فکرمی کرد. تصویری که از مراسم اعدام در ذهنش نقش بسته بود قدرت فکر کردن به هر چیزی دیگری را از او سلب می کرد و هر چه می کشید نمی توانست این تصویر هولناک را از ذهنش بیرون کند...

نویسنده ای به توانائی آلبرکا مو لازم است تا بتواند درباره مراسم اعدام سه ایرانی که در روز روشن و جلوی چشم جمعیتی انبوه در شهر قم انجام گرفت قلمفرسایی کند. این سه تن را دستگاه قضائی حکومت آخوندها عاملان بمب گذاری و انفجار روز عید قربان در شهر قم معرفی کرده است و قبلاً قرار بود آن هارا با تشریفات هیجان انگیزتری اعدام کنند یعنی ابتدا بعنوان قصابی چشمهایشان را از حقه بیرون بکشند، گوش و زبان شان را ببرند، دست و پایشان را قطع کنند و بعد، دارشان بزنند. ولی در آخرین ساعات تغییر رای دادند و به همین اکتفا کردند که روی پلی در سه راه موزه آنان را از تیر چراغ برق بیاویزند. این ابتکار هم بخاطر آن بود که جمعیت بیشتری در فضای وسیع طرفین پهنل بتوانند نمایش مرگ را تماشا کنند.

نمی خواهیم وارد این بحث شویم که مجازات اعدام بطور کلی مفید است و ضرورت دارد یا به قول اشخاصی مثل آلبرکا مو، نفس اعدام جنایتی مجدد محسوب می شود. این بحث را در شرایط امروزی ایران مطرح کردن مثل آنست که انسان برای گرسنه های "بیافرا"

مرتب در اختیار فرانسه قرار می دهیم این دیگر نیست به سیاست دولت فرانسه است که افکار عمومی را در جریان قرار دهد.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اکتبر ۸۶

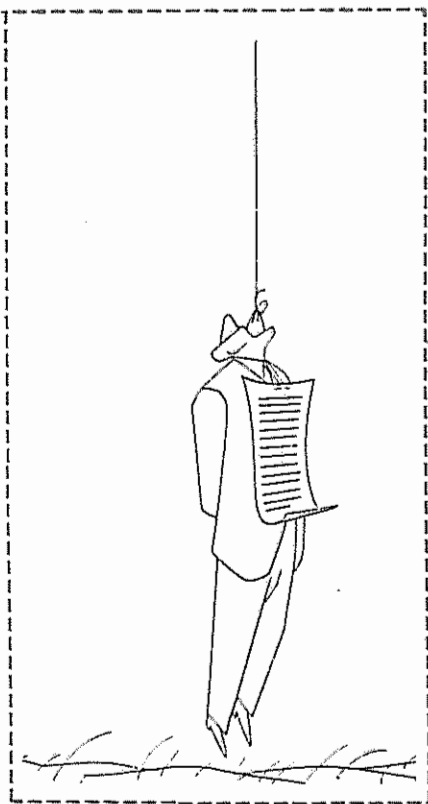
روش های ویژه

حامیان تروریسم

شیمون پروز نخست وزیر سابق اسرائیل در سفر اخیرش به پارسیس به رژیم لبیبی، سوریه و جمهوری اسلامی را مسئول های اصلی تروریسم بین المللی دانست. وی در یک گفتگوی اختصاصی با روزنامه ی فیکارو گفت:

نشانی:

QYAM IRAN
C/O C.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE



از مضافات غذایی چرب و شیرین صحبت کند. در ایران امروز، از درود بوارخون می بارد و جان آدمیزاد بی بهاترین است. مگر انسان عقلش را از دست داده باشد که در همچو احوالی از لزوم یا عدم لزوم مجازات اعدام حرف بزند. اگر حرفی هست بر سر اینست که چگونه حکومت مدعی مسلمانان، برای زهر چشم گرفتن از مردم متوسل به روش هایی می شود که قبایل جنگلی هم در عصر حاضر از شنیدنش احساس شرم و اشمناز می کنند. بازداشت سنفری که با آن وضع فجیع اعدام شدند، کمتر از یک هفته بعد از انفجار رقم صورت گرفت. به عیسارت دقیق تر، جزشتا سایی و بازداشت، سه نفر به عنوان عاملان بمب گذاری، فقط چهار روز بعد از حادثه انفجار اعلام شد. هر آدم کودکی، حتی در سطح زنجیر زن های حزب اللهی می تواند بفهمد که شناختن و پیدا کردن و گرفتن عاملان بمب گذاری بدین سرعت و بدین صورت دروغی بیش نیست. به ویژه وقتی می بیند در حکم ما دره، آن ها را عامل بمب گذاری های متعدد در نقاط مختلف شهر تهران از سال ۱۳۵۸ به این طرف معرفی کرده اند.

مسئله اینست که ما فقط با تعدادی گروه تروریستی طرف نیستیم. زیرا کشورهایی هستند که از تروریست ها حمایت مالی می کنند، به آن ها پناه می دهند و برای طریقه های مختلف تروریسم، امکانات فعالیت فراهم می آورند.

خبرنگار فیکارو زبیرز سؤال کرد: آیا شما هم مثل دادستان دادگاه لندن رژیم سوریه را یکی از این کشورها می شناسید؟ شیمون پروز جواب داد: بنظر من، سه رژیم لبیبی، سوریه و جمهوری اسلامی، به روشنی مسئولان تروریسم بین المللی هستند.

شیمون پروز اضافه کرد: هر یک از این رژیم ها، با روش های مختلف، این کار را انجام می دهند. مثلاً اقدام های

شهر را عملاً به یک دژ نظامی تبدیل کرده است، ضربه سختی بر پیکر رژیم محسوب می شد. لابد این حادثه خشم مقام رهبری را نسبت به مسئولان امور امنیتی برانگیخته و او را مرطع مبارک مادر شده است که باید سه روزه مرتکبین بیدار شوند. آن ها هم سه نفر را که دم دست داشته اند به عنوان عامل انفجار قم، بلکه عامل انفجارهای چند ساله تهران معرفی کردند و در محاکمات چنانی، برق آسا حکم اعدامشان را نوشتند و محض ایجاد ارباب، جلوی چشم هزاران نفر در وسط شهر بیدارشان آویختند.

رژیمی که با زور بر چهل میلیون مردم ناراضی و خشمگین حکومت می کند از توسل به خشونت و ارباب گیری ندارد ولی یک نکته را این رژیم، ما شنید همه حکومت های استبدادی نمی تواند بفهمد که از شقاوت، شقاوت میزاید. هر چه مردم، بخصوص جوان ها نوجوانان بیشتر در معرض شقاوت قرار بگیرند و نمایش های شقاوت آمیز مشاهده کنند، به همان اندازه روح شقاوت در آن ها تقویت می شود و جا معی که تب شقاوت بر جان بیفتد هیچ گاه روی امنیت بخود نمی بیند.

جنگ ویتنام تمام شد. دهها هزار جوان امریکائی هم که در جریان این جنگ بخاک هلاکت افتادند تقریباً "فراموش شدند" ولی آمریکا با امریکائی های که از ویتنام بازگشته اند در سره های تمام نشدنی دارد. کثیری از جوان های امریکائی که به ویتنام رفته بودند تعادل روحی و معنوی خود را از دست داده اند. بسیاری از آن ها برای آنکه خودشان و رنج هایشان را تسکین دهند به مواد مخدر روی آورده اند و گروهی دیگر به موجوداتی خشن، عاصی، بی رحم، بی احساس، تجا و زطلت تبدیل شده اند که به انواع کارهای غیر انسانی و بی آلوده اند. خدا می داند وقتی اوضاع کنونی در ایران پایان بگیرد تکلیف جامعه با کسانی که درین دوران سیاه، تعادل روانی و عاطفی و اخلاقی خود را از دست داده اند و به جای همدانشی فوت و فن استفاده از سلاح های مختلف و ساختن بمب و نارنجک و شرکت در عملیات کماندویی و تهاجمی را آموخته اند چه خواهد بود.

تروریستی جمهوری اسلامی در لبنان، از طریق گروه حزب الله انجام می گیرد. لبیبی، به اقدام های تروریستی کمک مالی می رساند، و سوریه از همه محتاط تر عمل می کند. بهرحال، هر یک روش خاص خود را دارند.

تلفن خبری

نهیضت مقاومت ملی ایران - کانادا
شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

ایران هرگز نخواهد مرد